

جعل و استفاده از سند مجموع

۱

صفحه	فهرست مطالب	عنوان
۱		در آمد
۲		مقدمه
۳		تعريف جعل
۴		ارکان تشکیل دهنده جعل
۴		ارکان قانونی جعل
۴		ب - رکن مادی جعل
۴		۱ - سمت مرتكب
۵		۲ - فعل مرتكب
۵	الف) ساختن نوشته ، سند ، امضا و مهر	
۵	۱ - نوشته	
۵	۲ - سند	
۶	الف) سند رسمی	
۶	ب) سند عادی	
۷		۳ - امضا
۷		۴ - مهر
۱۶		جعل و استفاده از سند مجموع
۲۰	ب) تغییر و تحریف (سند ، نوشته ، امضا و ...)	
۲۰	جعل مادی	
۲۰	الف : خراشیدن	
۲۰	ب : تراشیدن	
۲۰	ج : قلم بردن	
۲۰	د : محو کردن	
۲۱	ه : الحق	
۲۱	و : اثبات کردن	
۲۱	ز : سیاه کردن	
۲۱	ج : تقديم یا تأخیر سند نسبت به تاریخ حقیقی	
۲۱	ط : الصاق نوشته ای به نوشته دیگر	
۲۱	ک : بکار بردن مهر دیگری بدون اجازه ی صاحب آن	
۲۵	۲ - جعل مفادی یا معنوی	
۲۶	الف) تغییر حقیقت در مفاد یک سند	
۲۶	ب) تغییر یا جعل اسامی اشخاص	
۲۶	ج) امر باطلی را صحیح یا امر صحیحی را کل جلوه دادن	
۲۶	ذ : چیزی را که به آن اقرار نشده	
۲۹	ج) رکن معنوی جعل	
۳۰	د) رکن ضرری (اضرار به غیر) در جعل	
۳۳	مصاديق جعل مادی در قانون مجازات اسلامی و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح	
۳۵	مصاديق جعل معنوی در قانون مجازات اسلامی و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح	
۴۰	جرائم جعل در سایر قوانین متفرقه	
۴۱	استفاده از سند مجموع	
۴۱	ارکان تشکیل دهنده جرم استفاده از سند مجموع	
۴۱	الف - رکن قانونی	
۴۲	ب - رکن مادی	

جعل و استفاده از سند مجموع

۲

٤٢	۱ - سمت مرتكب
٤٢	۲ - موضوع جرم
٤٢	۳ - فعل مرتكب
٤٤	ج - رکن معنوی استفاده از سند مجموع
٤٤	مجازات استفاده از سند مجموع
٤٩	معاذیر قانونی مؤثر در مجازات بعضی از اقسام جعل و استفاده از سند مجموع
الف	(مواد معافیت یا تخفیف از مجازات در قانون مجازات اسلامی و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح
٤٩	
٥٠	ب - تعلیق مجازات جرم جعل و استفاده از سند مجموع
٥٠	نوع تأمین در مرحله دادرسی در جعل و استفاده از سند مجموع
٥٢	خودآزمایی
٥٥	بررسی علل و انگیزه ارتکاب جعل (چکیده)
٥٩	اطلاعات تفصیلی زمینه ها و علل مؤثر به ارتکاب جرم جعل
٦٢	شناسنامه تفصیلی راهکارهای پیشگیری از وقوع جرم جعل
	فهرست منابع

درآمد:

بدون تردید تبیین تخصصی، کاربردی حقوق جزای اختصاصی پیرامون هر یک از پدیده‌های جزایی می‌تواند علاوه بر روشنگری قضاط محترم، بستری را جهت تضارب آراء و تعاطی افکار در خصوص بررسی زوایای ناشناخته برخی از ابعاد مرتبط با جرم جعل، ایجاد نماید. مجموعه‌ای که به جامعه اندیشمند قضایی در سازمان قضایی نیروهای مسلح تقدیم می‌گردد، محصل دیگری از تلاشهای ارزنده گروه پژوهش‌های قضایی است که همانند جزوی های تقدیمی پیشین، با رویکردی کاملاً کاربردی برای آموزش غیرحضوری متصدیان امر قضا در دادسرا و دادگاههای نظامی با هدف ایجاد شناخت هرچه بہتر، به یکی از جرایم علیه آسایش عمومی و ساختار اداری و اجرایی کشور تدوین گردیده است و امید آن داریم این جزوی آموزشی بتواند پاسخگوی بخشی از نیازهای آموزشی همکاران قضایی بوده و ضمن افزایش دانش قضایی، آنان را در امر خطیر و سنگین قضاوت یاری نماید.

همکاران ما در اداره کل دفتر آموزش و پژوهش انعکاس کاستی‌ها و ارائه پیشنهادات و نظرات سازنده را ارزنده‌ترین هدیه و نکوداشت تلاشهای خود می‌دانند تا از این رهگذر، در تدوین متون آموزشی بعدی گام‌های بلندتری را بردارند.

دفتر آموزش و پژوهش س.ق.ن.م دیماه سال یکهزار و سیصد و هشتاد و هفت (۱۳۸۷)

۱ - عزیزانی که در تدوین این جزوی همکاری داشته‌اند عبارتنداز:

- حجت‌الاسلام والمسلمین محمد مصدق - معاون قضایی و حقوقی سازمان قضایی و مدرس دانشگاه
- آقای محمدرضا یزدانیان - مدیر کل حقوقی سازمان و مدرس دانشگاه
- آقای سیداحمد موسوی الندانی - مدیر کل دفتر ریاست و روابط عمومی و مدرس دوره عالی قضایی
- آقای احمد غلامی - رئیس دادگاه نظامی یک تهران و مدرس دوره عالی قضایی
- آقای خیرالرنجگر - رئیس دادگاه نظامی یک تهران و مدرس دانشگاه
- آقای ایوب ادیب - رئیس دادگاه نظامی یک تهران و عضو کمیسیون قوانین جزایی
- آقای قاسم ولی‌پور - بازپرس دادسرای نظامی تهران و عضو کمیسیون قوانین جزایی
- آقای غلامباس ترکی - مدیر کل دفتر آموزش و پژوهش و مدرس دانشگاه
- آقای عبدالکریم کارمزدی
- آقای دلی ر
- آقای صادق منش

مقدمه: جعل و تزویر از جمله جرایمی است که اعتماد عمومی جامعه را نسبت به اسناد و مدارک سست و بی‌رنگ می‌سازد. از این رو، جعل را از جرایم علیه امنیت یا مرتبط با امنیت و آسایش عمومی می‌دانند و هدف متن از برخورد با جاعلین و استفاده‌کنندگان از سند جعلی نیز حمایت از نوشه‌ها، اسناد و مدارک و اعتبار آنهاست. پیشرفت علوم و دستاوردهای جدید بشری در زمینه‌های مختلف علمی، در پیچیده‌تر شدن جرایم و ظهور جرایم جدید مؤثر بوده است؛ هم‌چنان که امروزه با بزه‌های نوینی چون جرایم رایانه‌ای و سایبر روبه‌رو هستیم. جعل به تأثیر از این پیشرفت ضمن آن که گسترش یافته، بسی هم پیچیده‌تر شده است. این شیوع و پیچیدگی بسیاری اوقات قضاط را در تشخیص موضوع و انطباق عمل مجرمین با مواد قانونی دچار مشکل می‌سازد.

از آنچه به اجمال ذکر شد ضرورت پرداختن به جرم جعل روشن می‌شود و تعدد و پراکندگی قوانین مربوط به جعل این ضرورت را آشکارتر می‌سازد.

در این مختصر تلاش شده اهم مباحث مرتبط با جعل طرح و در حد می‌سور تبیین گردد و قوانین پراکنده مربوط به جعل نیز جهت سهولت دسترسی یکجا جمع شود. برای کاربردی‌تر شدن بحث ضمن استناد به آرای دیوان بعضی فروضات قضیه در قالب سوال یا پرونده طرح شده‌اند.

تعريف جعل :

جعل در لغت به معنای ساختن، گردانیدن و خلق کردن؛ تزویر به معنای دروغپردازی و گولزن است. در قوانین ما تعریفی برای جعل ارائه نشده، بلکه تنها به مصاديقی از آن اشاره یا به نحوه و چگونگی جعل پرداخته شده است. شاید تنها موردي که بتوان آن را تا حدی تعریف جعل تلقی نمود، ماده ۵۲۳ ق. مجازات اسلامی (تعزیرات) است.

ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی :

جعل و تزویر عبارتند از: ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیررسمی، خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر این‌ها به قصد تقلب.
هم‌چنان که ملاحظه می‌شود، قانونگذار در ماده فوق بیش از آن‌که در صدد تعریف جرم

جعل باشد در مقام ذکر مصاديق به نحو تمثيل است؛ پس ناگزیریم با مراجعته به آثار حقوقدانان صاحب‌نظر، تعریفی برای جعل ارائه کنیم. برای روشن شدن موضوع به برخی از تعاریفی که در این باب آورده شده است اشاره می‌کنیم.^(۲)

۱- جعل عبارت است از تحریف متقلبانه واقعیت در نوشته به وسیله‌ای که قانون تعیین کرده و به نحوی که منشاء زیان و خسارت باشد.^(۳)

۲- جعل عبارت است از قلب متقلبانه یک حقیقت یا امور دیگری در یک سند یا نوشته یا چیز دیگر به یکی از طرق مذکور در قانون.^(۴)

با توجه به تعاریف فوق شاید بتوان جعل را چنین تعریف نمود:

«جعل عبارت است از تحریف یا تغییر یا ساختن متقلبانه یک نوشته یا سند به قصد اضرار به غیر و به طرق پیش‌بینی شده در قانون.»

^۲- محمدباهri، حقوق جزای عمومی، ص ۲۲۰.

^۳- ابراهیم پاد، حقوق جزای اختصاصی، ص ۹۶.

^۴- جزوه درسی دکتر آزمایش.

ذکر این نکته نیز خالی از فایده نیست که از نظر قانونگذار، عبارت جعل و تزویر مترادف بوده و معنای واحدی را افاده می‌کنند.

ارکان تشکیل دهنده جرم جعل:

علاوه بر سه رکن قانونی، مادی و معنوی که درهمه جرایم مشترک است، بعضی از حقوقدانان علاوه بر سه رکن یادشده، رکن دیگری تحت عنوان رکن ضرری را درتحقق این جرم ضروری می‌دانند.

درباره هریک از ارکان یادشده، در ذیل مطالبی بیان خواهد شد.

الف - رکن قانونی جعل:

یکی از عناصر تشکیل دهنده جرم، عنصر قانونی است. به این معنا که فعل یا ترک فعل قبل از طرف قانونگذار به عنوان جرم معرفی و مجازاتی برای آن درنظر گرفته شده باشد. درمورد عصر قانونی جعل می‌توان به مواد (۵۴۳ تا ۵۲۳) قانون مجازات اسلامی و مواد (۹۵ تا ۱۰۷) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح اشاره نمود. علاوه بر این، برخی قوانین متفرقه نیز اعمالی را جعل تلقی و مجازاتی را بر آن بار نموده‌اند که درجای خود بدانها اشاره خواهد شد.

ب - رکن مادی جعل:

در رکن مادی، موارد ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱ - سمت مرتکب:

قانونگذار در اکثر موارد مربوط به جرم جعل و تزویر و یا استفاده از سند مجهول، از کلمه «هرکس» استفاده نموده که شامل هر فرد اعم از ایرانی و غیر ایرانی، زن و مرد و مستخدم دولت یا غیر آن می‌باشد؛ لیکن در قانون م.ج.ن.م. در موارد مربوط از کلمه «هرنظمی» استفاده

نموده که فقط شامل افراد نظامی می‌باشد و این عنوان عام نیز قطعاً هم شامل پرسنل رسمی و هم شامل پرسنل قراردادی و پیمانی و یا نیروهای وظیفه خواهد شد.

۲- فعل مرتكب:

عمل مرتكب جرم جعل و تزویر، همان فعل مثبت مادی خارجی است که درقانون پیش‌بینی شده است که به دو صورت تحقق می‌پذیرد: به صورت ساختن و یا به صورت تحریف و تغییر.

الف) ساختن نوشته، سند، امضا و مهر
ساختن نوشته یا سند و ... در حالتی است که سند یا نوشته یا مهر و امضا وجود ندارد و متقلبانه به وجود می‌آید و ساخته می‌شود. بنابراین، ممکن است جعل به صورت یکی از این اشکال واقع شود. صدر ماده (۵۲۳) قانون مجازات اسلامی، این حالت را بیان نموده که به توضیح و تبیین آن می‌پردازیم. ماده مذبور، ساختن نوشته، سند و ... رامطرح نموده؛ سؤال این است که سند، نوشته، امضا و مهر چیست؟!

۱- نوشته:

منظور از نوشته: حروف، کلمات، ارقام و علامتها بی هستند که با قرار گرفتن در کنار هم پیام و معنایی را القا کنند و قابل خواندن باشند و از نظر عرف و قانون به عنوان سند قابل استناد نباشند. مانند نامه‌های عادی.

۲- سند:

نوشته‌ای است که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد. یا به عبارت دیگر سند باید مثبت حق بوده و دارای ارزش قضایی باشد. سند انواعی دارد که در تشخیص مقررات قانونی مؤثر است. قانون مدنی اسناد را به دو دسته تقسیم می‌کند: سند رسمی و سند عادی (غیررسمی)

الف) سند رسمی:

سندی است که به وسیله یکی از مأمورین رسمی در حدود صلاحیت او برابر مقررات قانونی تنظیم شود و به تعبیر قانون مدنی «اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا دفاتر رسمی یا نزد سایر مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها و برطبق مقررات قانونی تنظیم شده باشد رسمی است.» با توجه به تعریف سند رسمی باید دارای شرایط ذیل باشد ::

الف - به وسیله مأمور رسمی تنظیم شده باشد .

ب - مأمور رسمی در تنظیم سند صلاحیت داشته باشد .

ج - در تنظیم سند رعایت مقررات مربوط شده باشد .

ب) سند عادی:

سند عادی سندی است که به وسیله افراد عادی تنظیم می شود و معمولاً تابع تشریفات خاصی نیست و مأمور رسمی در تنظیم آن دخالتی ندارد و در صورتی هم که سند به وسیله یکی از مأموران رسمی تنظیم اسناد تهیه شده باشد؛ لیکن مأمور صلاحیت تنظیم سند را نداشته باشد و یا رعایت ترتیبات مقرر قانونی را در تنظیم سند نکرده باشد؛ در صورتی که سند دارای امضا یا مهر باشد، سند عادی است. به طور کلی شرط اصلی سند عادی، امضای آن به وسیله طرف است و تا نوشهای امضاء نشود اعتباری ندارد و سند محسوب نمی شود، امضاء شرط لازم یک سند عادی است.^(۵)

در تقسیم دیگری اسناد به اصیل و اتفاقی تقسیم می شوند.

سند اصیل : سندی است که از ابتدا برای ایجاد یک رابطه حقوقی تنظیم و نوشته می شود.

سند اتفاقی: برخلاف سند اصیل بدواناً برای ایجاد رابطه حقوقی تهیه و تنظیم نمی گردد؛

ولی اتفاقاً تبدیل به سند می شود مانند مکاتبات خصوصی که مقصد و هدف افراد در آنها

^۵ - منظور از امضاء اعم از امضاء مهر یا اثر انگشت می باشد .

ایجاد رابطه حقوقی نیست، ولی اتفاقاً ممکن است در همان نوشته خصوصی چیزی باشد که در یک دعوای کیفری یا حقوقی مورد استناد واقع شود.

۳- امضا:

امضا عبارت است از علامت انتخاب شده توسط اشخاص که معمولاً مطابق ذوق و سلیقه خود جهت تأیید و تصدیق نوشته‌ها به خود اختصاص می‌دهند و یا به عبارت دیگر، امضا علامتی است که شخص در زیر یک سند یا نوشته برای متسب کردن آن به خود می‌گذارد.

۴- مهر:

وسیله‌ای است که از فلز یا مواد دیگر ساخته می‌شود و در تنظیم اسناد و قراردادها و مکاتبات رسمی و غیر رسمی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

سؤال: اگر کسی با وسایلی مثل چوب، فلز و ... شبیه مهر شخص دیگری را بسازد و بدون این‌که از آن استفاده‌ای کرده باشد آن را نزد خود نگاه دارد، آیا این کار جعل تلقی می‌شود؟

جواب: با عنایت به صدر ماده (۵۲۳) که مقرر داشته: ((ساختن مهر)) و انتهای ماده که می‌گوید ((به قصد تقلب)) می‌توان چنین پاسخ داد که هر ساختن مهری جعل نیست بلکه تنها ساختنی که به قصد تقلب باشد جعل محسوب و موجب مجازات جاعل خواهد شد. البته این ماده برای ساختن مهر، مجازاتی ذکر نکرده و نمی‌تواند به عنوان عنصر قانونی جرم مورد استناد قرار گیرد بلکه باید سراغ دیگر مواد قانونی رفت.

آیا شبیه سازی، در رکن مادی جعل شرط است؟

در صورتی که سند یا نوشته و ... به صورت متقلبانه ساخته شود، آیا باید با سند و یا نوشته اصلی شباخت داشته باشد یا خیر؟ مثلاً کسی امضای یک مقام دولتی یا عادی را جعل می‌کند،

آیا صرف انتساب کافی است و همین‌که زیر نوشته قید شد «مدیرکل» و او امضا کند کافی است؟

این‌که شبیه‌سازی در جعل شرط است یا نیست، دو نظریه وجود دارد:

گروه اول معتقدند: امضای جعلی لزومی ندارد که مشابه امضای اصلی باشد و صرف انتساب کافی است و لازم نیست بررسی کنیم که شباهت وجود دارد یا خیر؛ مثلاً با یک نامه جعلی به زندان اعلام می‌کند که آقای (الف) اگر به علت دیگری بازداشت نباشد آزاد گردد و در ذیل نامه می‌نویسد رئیس شعبه ... دادگاه و امضا می‌کند. این گروه می‌گویند در قانون، هیچ جا نیاورده است که شبیه‌سازی شرط است؛ اگر نیاز بود، قانونگذار همان‌طور که در تقلب در مسکوکات صراحتاً شبیه‌سازی را شرط دانسته، در جعل هم شبیه‌سازی را شرط تحقق جعل می‌دانست؛ و چون تصریح نکرده، قانوناً لازم نیست شباهت وجود داشته باشد.

دیوان‌عالی کشور، آرای متفاوتی در این خصوص صادر نموده که در مواردی نظر گروه اول را تأیید نموده است.

به موجب رأی شماره ۱۳۱۶/۶/۱-۷۰۵۶ دیوان‌عالی کشور: «شبیه‌سازی و تقلید اگر در بعضی موارد مثل جعل اسکناس یا جعل نشان دولتی و امثال آن از اشیای معروف نزد همه کس لازم دانسته شود برای آن است که با عدم شباهت، عنوان ساختن آن شیء صادق نمی‌آید؛ نه از باب آن‌که شبیه‌سازی به‌طور کلی از ارکان جعل است. بنابراین اگر کسی قبض حواله را جعل و به این کیفیت وجهی وصول کند، اگرچه هیچ‌گونه شباهتی بین امضای حواله مجعل و امضای واقعی نباشد باز عمل جعل است،»

یا شعبه پنجم دیوان‌عالی کشور در رأی شماره ۱۲۸۸ - ۲۵/۵۶۲۷ اعلام داشته: «در موارد مربوط به جعل، قید شباهت نشده و در جعل امضا شرط نیست. بنابراین ...»

گروه دوم معتقدند: که شbahت لازم است وحتماً باید امضای جعلی با امضای اصلی شbahتی داشته باشد و اگر شبیه نباشد جعل واقع نمی‌شود. استدلال این گروه این است که می‌گویند متبادر به ذهن از ساختن سند، نوشته، مهر و امضای این است که کسی یک شیء، سند و ... را مدل قرار می‌دهد و مطابق آن را می‌سازد. بنابراین، باید یک شباهتی وجود داشته باشد و صرف انتساب کافی نیست؛ ولی شباهت کامل لازم نیست، بلکه اگر بیننده عادی دچار اشتباه شود کفايت می‌کند. در این مورد هم دیوان عالی کشور، آرای متعددی صادر نموده که به دو نمونه آن بسنده می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی شماره ۸۱۱۸ اعلام داشته: «چون ساختن از ارکان جعل است و متبادر به ذهن از کلمه مزبور، شبیه‌سازی است و اگر مشابهتی در کار نباشد ساختن محقق نیست؛ شبیه‌سازی لازمه تحقق جعل است و درجه شباهت و کیفیت آن به ترتیبی باید باشد که در بادی نظر موجب التباس با واقع گردد.»

یا به موجب رأی ۲۳۳ - ۱۳۱۶/۱/۳۱، دیوان عالی کشور اعلام داشته: ((جعل و تزویر که مطابق ماده (۹۷) قانون مجازات عمومی عبارت است از ساختن نوشته یا سند یا چیز دیگری برخلاف حقیقت، در صورتی محقق می‌شود که در نوشته یا سند شبیه‌سازی رعایت شده و مشابهتی موجود باشد؛ به طوری که ممکن باشد برای اشخاصی که سواد خواندن دارند در بادی نظر اسباب اشتباه شود و نوشته عادی که شبیه‌سازی در آن رعایت نشده عنوان ساختن نوشته یا سند بر آن صادق نیست و مشتبه شدن بر اشخاصی که سواد خواندن اوراق و تمیز دادن نوشته شبیه و غیرشبیه را ندارند موجب صدق جعل نمی‌باشد.))

هردو گروه در یک مورد با هم وحدت نظر دارند و آن جعل در اسکناس است؛ در جعل اسکناس، شبیه‌سازی را شرط می‌دانند و استدلال می‌کنند که اسکناس جعلی اگر شبیه اسکناس

اصلی نباشد وارد گردش پولی نمی‌شود. پس حتماً باید شباهتی باشد تا اسکناس مجعل وارد گردش پولی شود تا استفاده‌کنندگان نتوانند به راحتی اسکناس مجعل را از اصلی تشخیص دهنند.

ولی باید گفت، در غیر اسکناس نیز وجود شباهت به طوری که امکان به اشتباه اندختن افراد متعارف باشد، ضروری است؛ مثلاً در جعل گواهینامه رانندگی، کارت معافیت، کارت پایان خدمت، مدرک تحصیلی و مانند اینها وجود شباهت ضرورت دارد؛ چون اگر شباهتی میان مدرک اصلی و مجعل نباشد کسی به آن واقعی نمی‌نهد. جاعل نیز بدون مدنظر داشتن این شباهت‌ها و شبیه‌سازی‌ها دست به جعل نمی‌زند. در همان مثال قبل، نوشتن نامه به زندان برای آزاد ساختن متهم قطعاً جاعل، نامه را در یک ورق بدون آرم نمی‌نویسد، بلکه حتی المقدور تلاش می‌کند آن را در کاغذ نشان‌داری که نشان دادگستری یا سازمان قضایی را دارد بنویسد و در ذیل نوشته نیز مهری شبیه شعبه مربوط یا اجرای احکام ضرب نماید. عبارات، شکل و فرم نامه نیز مشابه همانی باشد که قاضی مربوط می‌نویسد؛ چون اگر هیچ شباهتی میان مدرک مجعل و دادگاه یا شعبه‌ای که نامه منتبه به آن است نباشد، خود سازنده مدرک جعلی بدون مدنظر داشتن آن شباهت‌ها اصلاً دست به جعل نمی‌زند؛ زیرا می‌داند که زندان ترتیب اثری به نامه نخواهد داد و قطعاً هم همین‌طور است که زندان به این نامه ترتیب اثر نخواهد داد. بنابراین، جاعل پیش از جعل غالباً مؤثر واقع شدن مدرکی را که می‌سازد درنظر دارد و این همان شبیه‌سازی است. پس در این موارد، شباهت یکی از ارکان تشکیل دهنده جرم است.

پس از آنجا که معمولاً در تمام موارد جعل فقدان شباهت منشا، اثر بودن جرم را از بین می‌برد؛ باید قایل شد که شباهت در همه موارد جعل ضروری است. درنتیجه، نمی‌توان شباهت را تنها محدود به اسکناس مجعل دانست. به نظر می‌رسد وجود شباهت، به همه موارد جعل

قابل تسری است و نظر گروه دوم ارجح و نزدیک به صواب می‌باشد. در رابطه با این موضوع، سوالات دیگری مطرح است.

به حکایت محتویات پرونده، آقای الف بر روی چک آقای ب که حساب بانکی وی مسدود می‌باشد و از نظر موازین قانونی قابل پرداخت نیست امضاء آقای ب را جعل می‌کند، آیا آقای الف مرتکب بزه جعل شده است یا خیر؟

پاسخ:

اساس جرم جعل، آن است که سند یا نوشته مجعلو با این قصد ساخته شود که اشخاص را فریب دهد تا آن را به عنوان اصل سند نوشته پذیرفته و مورد عمل قرار دهد و از این طریق ضرری هرچند بالقوه ایجاد شود. بنابراین، هرگاه چنین احتمالی از نظر افراد عادی ممکن باشد، جرم جعل محقق خواهد شد؛ هرچند که در عمل، نوشته یا امضای شخص مذکور قادر اثر باشد.

پرسش:

به استناد پرونده شماره.... آقای الف برای خروج آقای ب از کشور، برگه‌ای را جعل می‌نماید، با علم به این مطلب که خروج از کشور الزاماً با گذرنامه مقدور می‌باشد، آیا می‌توان عمل را جعل برگه مذکور تلقی نمود؟

پاسخ:

اگر نوشته یا امضا به‌طور واضح و آشکار از نظر افراد عادی غیرقانونی و قادر اثر تشخیص داده شود، به نظر می‌رسد نمی‌توان گفت که جعل تحقیق یافته است. اما گر چنین نباشد و قابل تشخیص نباشد و فرضًا به نحوی مؤثر در خروج از کشور باشد، جعل تلقی نمودن آن چون واجد ارکان این جرم گردیده بلاشكال است.

شخص (الف)، چهل متر از سیصد متر ملک موروثی را با سند عادی، حاکی از این که سهم سایر وراث را خریداری کرده، به شخص (ب) طی چکی به مبلغ یک میلیون و چهارصد هزار تومان، طبق قولنامه عادی فروخته و چک آن را دریافت کرده است. شخص (ب) جهت ساخت و ساز ملک، اقدام به تخریب آن می نماید، لیکن با اعتراض سایر وراث مواجه گردیده و معلوم می شود که شخص (الف) نه تنها سهم سایر وراث را خریداری نکرده، بلکه سند عادی نیز ساختگی می باشد و همچنین چهل متر فروخته شده از سهم معینه وی نبوده، بنابراین، شخص (ب) در مقام شکایت برای استرداد چک (چک هنوز وصول نشده) و تعقیب کیفری شخص (الف) برمی آید و پرونده ای در این مورد تشکیل می شود که منتهی به بازداشت وی می گردد.

حال با توجه به صورت مسئله، وبا فرض اینکه شخص (الف) نظامی می باشد، اگر شما رئیس دادگاه رسیدگی کننده به این پرونده بودید:

اولاً: اتهامات انتسابی به شخص (الف) را از مصاديق چه جرمی می دانید و با کدام یک از مقررات کیفری قابل انطباق دانسته و چه مجازاتی برای آن درنظر می گیرد؟

ثانیاً: چنانچه در جریان دادرسی، شخص (ب) چک خود را از (الف) دریافت نماید و از شکایت خود صرف نظر کند، چه تاثیری در روند دادرسی و محکومیت (الف) دارد؟

ثالثاً: شکایت وراث علیه خریدار، تحت عنوان تخریب ملک، قابل تعقیب است یا خیر؟

و در هر صورت، خسارت ناشی از تخریب ملک به عهده چه کسی است؟^(۶)

پاسخ:

اولاً: با فرض اینکه آقای (الف) با ارائه سند مجعل، مبنی بر خریداری سهم الارث سایر ورثه مورث خود، مالک شش دانگ قطعه زمین سیصد متری می‌باشد و در چنین صورتی، چهل متر مربع مفروز از زمین مورد شکایت رابه آقای (ب) فروخته و چکی به مبلغی یک میلیون و چهارصد هزار تومان دریافت کرده است، عمل آقای (الف) جعل سند عادی و استفاده از سند مجعل و فروش ملک متعلق به غیر است، که به استناد مواد (۴۷ و ۵۲۳ و ۵۳۶) قانون مجازات اسلامی و ماده یک قانون راجع به انتقال مال غیر مصوب سال ۱۳۰۸ و ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام و برابر مفاد آرای وحدت رویه شماره ۵۹۴ مورخ ۷۳/۹/۱ و شماره ۶۲۴ مورخ ۷۷/۱/۱۸ و با رعایت قاعده تعدد، آقای (الف) به تحمل حبس تعزیری و رد مال و پرداخت جزای نقدی معادل وجه دریافتی محکوم خواهد شد.

ثانیاً: در صورت گذشت شکایت، به لحاظ غیر قابل گذشت بودن جرایم انتسابی، دادگاه به استناد ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی و با رعایت تبصره ذیل ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، فقط می‌تواند مجازات حبس متهم را به حداقل مجازات مقرر در قانون مذکور تقلیل دهد.

ثالثاً: به لحاظ اینکه خریدار زمین به اعتبار اینکه زمین ملکی خریداری خود را تخریب می‌نماید، به علت نداشتن سوء نیت مجرمانه باقصد اضرار به غیر، عمل نامبرده فاقد وصف مجرمانه بوده و قابل تعقیب نمی‌باشد.

رابعاً : نظر به اینکه آقای (الف) با سوء نیت و تثبت به وسایل متقلبانه و جعل سند و فروش ملک غیر باعث ورود خسارت به شکات گردیده، مشارالیه بایستی از عهده خسارت وارد شده به آنها برآید.

خامساً : نظر به اینکه جعل و استفاده از سند مجهول و فروش ملک غیر، از جرایم خاص نظامی و انتظامی نبوده و همگی از جرایم عمومی هستند، رسیدگی به جرایم عنوان شده در صلاحیت رسیدگی دادگاه‌های عمومی محل وقوع جرم است، ولو اینکه متهم نظامی باشد.

شخص (الف) طی شکایتی اعلام کرده است، آقای (ب) ضمن تهیه استشهادیه به امضای خود و چند نفر اشخاص مجھول الهویه، مدعی شده است که شخص (الف) در حضور آنها نسبت به مقامات مملکتی توهین نموده است . در جریان رسیدگی، به جز (ب) که از طریق استکتاب، خط و امضای وی توسط کارشناس تأیید می‌گردد، بقیه افراد کننده شناخته نمی‌شوند و معلوم می‌شود که خود (ب) از طرف آنها ذیل استشهادیه را امضا کرده است و (الف) نیز، ارتکاب اهانت به مقامات مملکتی را انکار و آن را کذب محض اعلام می‌کند و (ب) نیز ضمن اظهار ندامت، به عمل مجرمانه خود اعتراف می‌کند . با توجه به داده‌های مسئله، اگر شما رئیس دادگاه رسیدگی کننده به این پرونده باشید :

اولاً : اتهام انتسابی به (ب) از مصاديق چه جرمی است و با کدام یک از مواد قانون مجازات اسلامی قابل انطباق می‌باشد و او را مستحق چه مجازاتی می‌دانید ؟

ثانیاً: تأثیر گذشت (الف) را تا چه حد مؤثر در میزان مجازات می‌دانید ؟^(۷)

پاسخ :

اولاً : در رابطه با تنظیم استشهادیه ساختگی به امضای (ب) دونفر مجہول الهویه با توجه به اینکه یکی از شرایط تحقق بزه جعل، ورود ضرر به متنسب الیه می‌باشد، که در فرض سوال به لحاظ مجہول بودن متنسب الیهما (ورود ضرر) متفاوت است، جرم جعل نیز متفاوت می‌باشد، هرچند عقیده خلاف نیزدراین خصوص وجوددارد . شخص (ب) صرفاً به اتهام جرم افtra (اسناد جرم و عجز از اثبات آن) موضوع ماده (۶۹۷) قانون تعزیرات اسلامی، قابل تعقیب و مجازات خواهد بود .

ثانیاً : با توجه به اینکه قانونگذار به صراحة ماده (۷۲۷) قانون تعزیرات اسلامی، جرم افtra را از جرایم قابل گذشت تلقی نموده است، بنابراین، تعقیب بزه افtra با شکایت شاکی شروع می‌شود، اما با گذشت شاکی تعقیب موقوف نمی‌شود و طبق ماده (۷۲۷) قانون مجازات اسلامی، دادگاه می‌تواند در مجازات متهم تخفیف قابل شده و یا تعقیب را موقوف نماید .

نکته :

در صورتی که عقیده خلاف (عدم ضرورت ورود ضرریه متنسب الیه) اختیار شود، عمل ارتکابی شخص (ب) مستندأً به مادتین (۵۲۳ و ۵۳۶) قانون تعزیرات اسلامی، جعل و قابل تعقیب می‌باشد و عمل اخیر وی (ارائه سند مجهول) مشمول قاعده تعدد معنوی موضوع ماده (۴۶) قانون مجازات اسلامی (فعل واحد دارای عناوین متعدد جرم) می‌باشد . به این شرح که شخص (ب) با ارائه سند مجهول، علاوه بر اینکه مرتكب بزه استفاده از سند مجهول موضوع قسمت اخیر ماده (۵۳۶) قانون تعزیرات گردیده، جرم افtra موضوع ماده (۶۹۷) قانون تعزیرات نیز نسبت به آن عمل قابل اعمال می‌باشد .

جعل و استفاده از سند مجعل

شخص الف از طریق جعل سند به طرفیت آقای ب در محاکم حقوقی طرح دعوا می‌کند و دادگاه با استناد به سند مجعل به نفع خواهان حکم صادر می‌نماید سپس خوانده با اطلاع از مجعل بودن سند مبادرت به طرح شکایت کیفری علیه خواهان می‌نماید، مجازات قانونی خواهان با توجه به ماده واحده تفسیر ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی مصوب ۲۴ دی ماه ۱۳۱۴، راجع به کلاهبرداری چه خواهد بود؟ آیا جرم از جمله جرایم استفاده از سند مجعل می‌باشد و یا مصدق هردو بوده و از جمله موارد تعدد معنوی است . در هر صورت مجازات

قانونی عمل چیست؟^(۸)

پاسخ :

نظر اکثریت : علی رغم پذیرش عدم نسخ ماده واحده تفسیر ماده (۲۳۸) (قانون مجازات عمومی، در سؤال مطروحه، باید اذعان داشت اگر چه سند مجعل، سند قلب شده است، لیکن از آنجا که به واسطه چنین سندی، شخص توانسته است حکمی دریافت کند که به موجب آن مثلاً مالک مالی شناخته شود، قانونگذار برای چنین جرمی وصف مجرمانه خاص با مجازاتی خاص در نظر گرفته است که همان جرم استفاده از سند مجعل می‌باشد، همچون صدور چک بلا محل، که سابق برو وضع قانون صدور چک، صادر کننده چنین چکی کلاهبردار محسوب و مشمول مجازات قانونی مقرر در ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی می‌شد، زیرا اگر قائل شویم به این که در سؤال مذکور شخص خواهان، مرتکب جرم کلاهبرداری شده است، با عنایت به ماده واحده تفسیر ماده ۲۳۸ که می‌گوید : «... حیله و تقلب را در خارج اعمال کنند و یا در ضمن امر در ادارات ثبت یا سایر ادارات دولتی یا محاکم و» دیگر مصداقی برای جرم استفاده از سند مجعل وجود نخواهد داشت، البته هرگاه استفاده از سند مجعل از جمله

۸ - مجموعه نشستهای قضایی جلد ۲ - مسایل قانون مجازات اسلامی (۲) معاونت آموزشی و تحقیقات قوه قضائیه دفتر بررسی و تهیه متون آموزشی ص ۱۳۶ تا ۱۳۴ دفتر آموزش و پژوهش س.ق.ن.م.

وسایل متقلبانه و نه تنها وسیله، برای بردن مال دیگری باشد موضوع متفاوت خواهد بود، لذا درسؤال یاد شده جرم از مصاديق استفاده از سند مجموع بوده و مرتكب باید به مجازات قانونی آن محکوم شود.

نظر اقلیت :

همانگونه که در نظر اکثریت آمده است از آنجا که مفاد ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی (دوماده آن) نسخ نشده است، تفسیر نیز کماکان به قوت خویش باقی است. همچون اعتبار آرای وحدت رویه‌ای که علی‌رغم نسخ شکلی مواد، موضوع آن به دلیل عدم نسخ مفاد آن، به اعتبار خویش باقی می‌باشد. از آنجا که درسؤال، خواهان از سند مجموع به عنوان یک وسیله متقلبانه استفاده نموده و با ارائه آن به دادگاه، مال دیگری را برده است مورد از موارد استفاده از سند مجموع و کلاهبرداری و از مصاديق تعدد معنوی بوده و شخص خواهان باید به مجازات اشد که مجازات جرم کلاهبرداری است محکوم شود، مصدق سند مجموع و نه کلاهبرداری، آنجا است که شخص با استفاده از سند جعل شده، مالی به دست نیاورده باشد مانند شخصی که با گواهی نامه جعلی مبادرت به رانندگی نماید.

نظر کمیسیون

نشست قضایی (۱) جزایی :

۱- ماده (۲۳۸) قانون مجازات عمومی سابق به موجب ماده ۷۲۹ قانون مجازات اسلامی صریحاً نسخ شده است و به طریق اولی ماده واحده تفسیر ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۱۴ هم منسوخ است

۲- در فرض مطروحه، عنوان گردیده که شخصی از طریق جعل سند به طرفیت دیگری طرح دعوا کرده است، با این وصف، هم بزه جعل محقق گردیده و هم بزه استفاده از سند مجموع که هریک مجازات خاص خود را دارد و موضوع در ضمن دارای عنوان تعدد مادی

است و درنتیجه نظر اکثریت در حدی که عنوان شده به مجازات استفاده از سند مجعل هم باید محکوم شود، صحیح به نظر می‌رسد.

شخص «الف» چک متعلق به «ب» را امضا نموده در صورتی که امضایش هیچ شباهتی با امضای «ب» ندارد، آیا جرم جعل تحقق یافته است یا خیر؟^(۹)

پاسخ:

اتفاق آراء

در فرض مسأله با توجه به تمامی مواد قانون مجازات اسلامی، ملاحظه می‌شود که در هیچ یک از مواد مذکور، شبیه‌سازی به عنوان شرط، قرار داده نشده است و در ماده ۵۲۳ قانون مذکور نیز متن به طور صریح عبارت «ساختن امضای اشخاص» را آورده است، بنابراین، در مانحن فیه، جرم جعل محقق شده است و نظریه شماره ۷۳/۱۱/۱۵-۷/۷۶۸۱ اداره حقوقی قوه قضاییه نیز مؤید این نظر است.

نظر کمیسیون:

نشست قضايی (۲) جزايانه شبیه سازی امضا، شرط تحقق جعل نیست، بنابراین، همین که شخصی با قصد تقلب به جای صاحب حساب، چک را امضا کند این عمل نوعی سندسازی است و تحت عنوان جعل قابل پیگردی باشد هر چند امضا شباهتی با امضای صاحب حساب نداشته باشد.

بدیهی است چنانچه امضا کننده چک وانمود کند که چک از حساب جاری خودش می‌باشد و پس از امضا، آن را به دیگری واگذار و در ازای آن مالی تحصیل کند، عمل او توسل

به وسایل متقلبانه است و مصدق کلاهبرداری می‌باشد . مثل موردی که دسته چکی پیدا و از آن به طریق فوق سوء استفاده کند بدون آن که صاحب حساب را بشناسد.

به حکایت محتویات پرونده آقای الف، از سندیا نوشته معتبر آقای ب، فتوکپی یا عکسبرداری کرده و سپس برروی فتوکپی یا عکس که اصولاً فاقد ارزش حقوقی است مشخصات خودش را درج نموده و آن را مورد استفاده قرار داده است، آیا عمل چنین شخصی جعل و استفاده از سند مجموع محسوب می‌شود یا خیر ؟^(۱۰)

پاسخ ::

هرکس با اخذ فتوکپی یا عکس از سندی، مشخصات خودرا درآن درج نماید و از آن استفاده کند مرتكب بزه جعل نشده زیرا فتوکپی فی نفسه فاقد اعتبار است مگر آنکه مطابقت آن با اصل از طرف مرجع صلاحیت دارگواهی شده باشد . دراین حال جرم جعل و استفاده از سند مجموع هردو محقق خواهد بود .

ب) تغییر و تحریف در سند، نوشته، امضا و ...

راههای مختلف تغییر و تحریف در سند ... را می‌توان تحت دو عنوان بررسی کرد:

۱- جعل مادی: جعل مادی زمانی محقق می‌شود که در ظاهر و صورت نوشته به صورت

فیزیکی خدشهای وارد شود که ممکن است به طرق ذیل انجام پذیرد:

الف: خراشیدن - که شامل محو جزیی از کلمه یا ارقام و حروف اسناد و نوشته‌ها می‌باشد.

مثل این‌که یکی از دندانه‌های عددی را خراشیده و آن را تبدیل به دو کرد. یا حرف نفی (ن)

را از ابتدای کلمه ((نمی‌شود)) در عبارت ((موافقت نمی‌شود)) خراشید.

۱۰ - استعلامات قضایی قضات سازمان قضایی - اداره کل حقوقی معاونت قضایی - حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح ۱۳۷۸ - ص ۲۳۴ و ۲۳۵ ***** دفتر آموزش و پژوهش س.ق.ن.م.

ب: تراشیدن – که با آلات مخصوص مانند چاقو، تیغ و ... انجام می‌شود و شامل محو و از بین بردن کل کلمه یا رقم است؛ به طوری که اثری از آن باقی نماند. برای مثال: در مدرک معادل کارشناسی، کلمه ((معادل)) را تراشیده و از بین برده تا مدرک کارشناسی به حساب آید، نه معادل کارشناسی.

ج: قلم بردن – قلم بردن عبارت است از تغییر دادن حروف یا ارقام موجود بدون این که کلمه و رقم جدیدی اضافه شود. مثل این که مرتکب با قلم بردن روی خط موجود و تغییر معنای آن، عدد یک را به دو یا سه و ... تبدیل کند یا در عبارت ((موافقت نمی‌شود) حرف ((میم)) را پررنگ‌تر کند تا ((نمی‌شود)) خوانده شود.

د: محو کردن – محو کردن شامل از بین بردن تمام یا قسمتی از نوشته‌ها و استناد به هر وسیله ممکن غیر از خراشیدن و یا تراشیدن است. وسیله مورد استفاده ممکن است مواد شیمیایی با مداد پاک کن و غیره باشد. (وسیله به کار برده شده در محو، با تراشیدن فرق دارد.)

مثال: چکی در وجه فردی با ذکر نام نوشته شده، جاعل نام این فرد را با مواد شیمیایی پاک می‌کند.

ه - الحق: اضافه کردن کلمه یا علامتی به نوشته و ... است به طوری که مفهوم و معنای آن را تغییر دهد؛ مانند اضافه کردن نقطه در جلوی عدد روی چک.

و - اثبات کردن: اثبات یعنی این که علامت بطلان یک سند یا نوشته از بین برده شود؛ مثلاً مهر باطل شد را از روی یک سند پاک کند.

ز - سیاه کردن: سیاه کردن یعنی ناخوانا کردن کلمه یا عبارت از یک سند یا نوشته به وسیله ایجاد لکه جوهر و مرکب یا خط کشیدن روی آن.

ح - تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی: در این حالت، جعل با تغییر متقلبانه تاریخ نوشته یا سند عملی می‌شود بدون این‌که در متن سند و نوشته تغییری داده شود که ممکن است یا به صورت جعل مادی باشد؛ مانند این‌که تاریخ روی برگه مخصوصی، مقدم یا مؤخر شود و یا به صورت جعل مفادی است مانند این‌که کسی به دیگری بگوید فلان تاریخ را روی این سند بنویس و آن شخص عمدتاً تاریخ مقدم یا مؤخر بر آن بنویسد.

ط - الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر: الصاق آن است که اجزای یک نوشته و ... از آن جدا و به نوشته و ... دیگر الحق یا الصاق شود؛ چه در میان کلمات باشد یا بین سطور یا به صورت مجزا.

ک - به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن: مرتكب، مهر دیگری را بدون اجازه صاحب آن مورد استفاده قرار می‌دهد؛ یعنی مهر را ذیل نوشته و یا سندی به کار می‌برد. لذا استفاده از مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن در هر حال جعل محسوب می‌شود چه مهر به شخص سوء استفاده کننده سپرده شده باشد چه آن را از طریق دیگری بدست آورده باشد.

آقای (الف) که دارای دو فقره سابقه محکومیت کیفری مؤثر بوده و قصد افتتاح مغازه تعمیر وسایل برقی را داشته، یک برگ پروانه اشتغال به این امر متعلق به شخص (ب) را از مغازه او ربوده و پس از این که آن را به نام خود تغییر داده، عکس خویش را به آن الصاق می‌نماید.

وی بدین منظور، مغازه‌ای را اجاره کرده و به کار تعمیر تلویزیون و سایر وسایل برقی می‌پردازد. بعداز یک سال در مقام مراجعته مأموران، پروانه اشتغال مذبور مورد سوء‌ظن واقع شده و کارشناس خط پس از معاینه، دخل و تصرف متقلبانه در نام صاحب پروانه والصاق

عکس، آن را مورد تأیید قرارداده است که در نتیجه، آقای (الف) با صدور قرار قانونی توقيف می‌گردد.

با توجه به صورت مسئله، اگر شما رئیس دادگاه رسیدگی کننده به این پرونده باشید :

اولاً : اتهام یا اتهامات انتسابی به (الف) را از مصاديق چه جرمی دانسته و با کدام یک از مواد قانون مجازات اسلامی منطبق می‌دانید و چه مجازاتی برای او در نظر می‌گیرد ؟

ثانیاً : چنانچه در جریان رسیدگی، صاحب پروانه از شکایت خود صرف نظر نماید، آیا تأثیری در وضع آقای (الف) خواهد داشت و باعث عدم مسئولیت کیفری او خواهد شد یا خیر ؟

(11)

پاسخ ::

- با توجه به تعریف سرقت، در مفهوم کلی، عمل شخص (الف) در ریايش پروانه اشتغال شخص (ب)، سرقت بوده و مشمول عنصر قانونی عام سرقت (ماده ۶۶۱ قانون تعزیرات اسلامی مصوب ۷۵) بوده که مرتكب به حبس از سه ماه و یک روز تا دو سال و تا ۷۴ ضربه شلاق قابل مجازات است.
- در رابطه با تغییر مندرجات پروانه اشتغال به نام خود، در صورتی که برابر تحقیقات به عمل آمده، صدور آن از ناحیه غیر مراجع در ماده (۱۲۸۷) قانون مدنی احراز شود (به نظر می‌رسد در مانحن فیه از ناحیه اتحادیه مربوط صادر می‌گردد) در نتیجه، سند عادی، از حیث استفاده از آن نیز (با نصب در مغازه) به استناد ماده (۵۳۶) قانون تعزیرات، به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از سه تا دوازده میلیون ریال قابل مجازات خواهد بود که با توجه به قاعده تعدد مادی از نوع مختلف، موضوع صدر ماده (۴۷) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، قاعده جمع مجازات‌ها اعمال می‌گردد.

با توجه به این که سه جرم انتسابی به شخص(الف) برخلاف مفهوم مخالف ماده (۷۲۷) قانون تعزیرات، واجد جنبه عمومی است، بنابراین، دادگاه صرفاً می‌تواند مستندًا به بند (۱) ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی، مجازات تعزیری را تخفیف داده و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسب‌تر به حال متهم باشد.

حسب پرونده شماره ... آقای الف، خود را مدیر عامل شرکت بازرگانی معرفی می‌نماید و مدارک ارائه شده، مؤید ادعای وی می‌باشد. اگر این شخص محل اقامت شرکت را درکارت شناسایی از یک شهر به شهر دیگری تغییر دهد، آیا عمل وی جعل محسوب می‌شود، یا خیر؟

(۱۲)

پاسخ:

اتفاق آراء :

صرف تغییر در نشانی در پرونده مطروحه، موجب قلب حقیقت و جعل و نتیجه اضرار به غیر نمی‌باشد، اما با عنایت به مفاد قانون تجارت، چنانچه با وصف تغییر در کارت شناسایی و ادامه عملیات تجاری باعث به دست آوردن مال شود، نتیجه چنین علمی به کلاهبرداری منجر و عنوان جرم کلاهبرداری مصدق دارد.

نظر کمیسیون :

نشست قضایی (۲) جزایی :

در خصوص سؤال فوق دو فرض متصور است :

۱- هرگاه صادر کننده کارت شناسایی، همان مدیر شرکت باشد، دراین فرض تغییر مندرجات آن درمورد نشانی شرکت مصدق جعل نیست.

چنانچه کارت مذکور با مهر یا امضای دیگری باشد، تغییر مندرجات آن با وجود سایر ارکان بزه (از جمله قصد تقلب و قابلیت اضرار به غیر) ممکن است مصدق جعل محسوب شود.

به حکایت محتویات پرونده، تعاونی مسکن یکی از واحدهای نظامی بعد از تفکیک زمینهای خریداری شده و تعیین و ابلاغ شماره قطعه زمین هریک از اعضاء و اخذ مبالغ مربوطه از آنان (که در هر قطعه از زمین به تناسب موقعیت آن متفاوت می‌باشد) و قبل از تنظیم قرارداد یا سند واگذاری قطعه زمین متعلق به احدهی از اعضاء را که مرغوبیت مناسبی داشته به فردی دیگر از اعضاء واگذار و درقبال قطعه زمین نام رغوب دیگری به وی تحويل می‌دهد، آیا مدیر عامل تعاونی تحت عنوان انتقال مال غیر قابل تعقیب است یا خیر و اساساً موضوع واجد وصف جزائی است یا حقوقی؟^(۱۳)

پاسخ:

چنانچه صورت مجلس تنظیم شده برای تخصیص قطعات زمین به اعضاء با توجه به ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی، رسمی باشد، تغییر نام یا سایر مندرجات آن حسب مورد، مشمول ماده ۵۳۲ یا ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی خواهد بود. در غیراین صورت موضوع، قادر وصف جزائی است.

در پرونده شماره نظامی با دستکاری فتوکپی مدرک تحصیلی و ارائه به یگان موفق به تحصیل، امتیاز و ترفیع درجات بالاتر و درنتیجه افزایش حقوق و مزايا و دریافت من غیر حق مال دولت گردد و در رابطه با بزه جعل با عنایت به جرم نبودن جعل در فتوکپی، قرار منع پیگرد صادر شود، آیا می‌توان مرتکب را به اتهام کلاهبرداری (توسل به تقلب در مدرک و بردن مال دولت) تحت تعقیب قرارداد یا خیر؟^(۱۴)

۱۳ - استعلامات قضایی قضات ص ۲۲۷ . ۲۲۸

۱۴ - استعلامات قضایی قضات ص ۲۲۶ و ۲۲۷

پاسخ:

قرار منع تعقیب مربوط به اتهام جعل است و شامل اتهامات دیگر نمی‌شود. بنابراین نسبت به اتهام یا اتهامات دیگری که مطرح نشده‌است امکان رسیدگی وجوددارد مگر این‌که نسبت به آنها هم قرار منع تعقیب صادر شده باشد.

۲- جعل مفادی یا معنوی:

شخص جاعل عمل مادی انجام نمی‌دهد، بلکه جعل حقیقت در عالم ذهن صورت می‌گیرد و به خارج منتقل و منعکس می‌شود؛ یا به عبارتی دیگر، بدون این‌که خدشهای به ظاهر سند و ... بر سند حقیقت در آن تحریف شده و مطالب متتب به دیگران به گونه‌ای غیر واقعی در آنها منعکس می‌شود. با عنایت به ماده (۵۳۴) قانون مجازات اسلامی و ماده (۱۰۴) ق.م.ج.ن.م. و سایر مواد متفرقه در قوانین، موارد جعل مفادی را می‌توان به‌شرح ذیل طبقه‌بندی کرد:

الف) تحریف حقیقت در مفاد یک سند:

هرگاه طرفین عقد یا قرارداد یا یکی از آنها با متصدی و یا مأمور تنظیم سند تبانی نمایند؛ مثل این‌که از قول مشتری اقرار به تحويل مبيع و از قول بایع اقرار به اخذ ثمن شود، در حالی‌که این امور واقعیت نداشته باشد.

ب) تغییر یا جعل اسامی اشخاص:

مأمور دولت یا سردار حضور شخص را به عنوان طرف معامله در سند ذکر می‌کند و حال آن‌که شخصی که در دفترخانه حضور پیدا کرده غیر از آن کسی است که نامش در سند ذکر شده است و یا این‌که در موقع تنظیم سند کسی حضور ندارد ولی سردار با تبانی طرف معامله حضور و اقرار شخص فرضی را در سند منعکس می‌کند.

ج) امر باطلی را صحیح یا امر صحیحی را باطل جلوه دادن:

دراین مورد جاعل با توجه به نوشته یا سند باطلی مبادرت به تنظیم سند برخلاف واقع می‌نماید؛ مانند این‌که سردفتر اسناد رسمی به استناد وکالت‌نامه باطل، سند انتقال ملکی را تنظیم و ثبت می‌کند و یا به عبارتی دیگر، امری که واقع نشده، واقع شده اعلام می‌گردد؛ مانند موردی که معامله‌ای انجام نشده ولی سردفتر اسناد رسمی آن را انجام شده معرفی می‌کند.

د) چیزی را که به آن اقرار نشده اقرار شده جلوه دادن:

دراین مورد امری که مورد اقرار نبوده، اقرار شده جلوه داده می‌شود؛ مانند این‌که در جریان دادرسی در دادگاه به متهم تعییم اتهام می‌گردد و در پاسخ، اتهام را نمی‌پذیرد؛ ولی منشی دادگاه که صورت جلسه دادگاه را می‌نویسد به عمد به جای این‌که بنویسد ((اتهام را قبول ندارم)) می‌نویسد ((اتهام را قبول دارم)).

لازم به ذکر است که جعل اعم از مادی یا معنوی در صورتی تحقق پیدا می‌کند که سند جعلی مؤثر در اثبات یا نفی حقی یا امری باشد و قابلیت استناد داشته باشد. در این مورد چند نمونه از آرای دیوان عالی کشور نقل می‌گردد:

۱- رأی شماره ۱۵۱۲ - ۱۳۱۷/۷/۱۰ شعبه دوم دیوان عالی کشور:

((اگر کسی عکس خود را به شناسنامه دیگری الصاق و آن را مورد استفاده قرار دهد، عمل وی جعل و استفاده از سند مجعل نیست.))

۲- رأی شماره ۲۵۷۴ - ۱۳۱۹/۸/۲۵ شعبه پنجم دیوان عالی کشور:

((اگر ورقه مورد ادعای جعل دارای مهر یا امضا یا اثر انگشت کسی باشد که وجود خارجی ندارد، عمل جعل نیست؛ زیرا با وجودی که مورد مربوط نوشته است، ولی علیه منتبه‌الیه سندیت ندارد و قابل اضرار نمی‌باشد.))

۳- رأی شماره ۷۸۲ مورخ ۱۳۱۸/۴/۱۱ دیوان عالی کشور:

((اگر کسی در پروانه رانندگی یا پروانه دیگری که مدت اعتبار آن گذشته، تحریف و اسم خود را به جای اسم اصلی وارد کند جعل نیست؛ زیرا تحریف در ورقه بی اعتبار باطل جعل محسوب نمی شود.))

به طوری که از آرای دیوان عالی کشور مشخص می شود، برای اینکه معلوم شود سندي معتبر و مؤثر در مقام است و تغیيرات در آن جعل به حساب می آيد یا نه با يستی موضوع از جهات مختلف مورد توجه قرار گيرد و قابلیت اضرار و یا اعتبار و سنديت آن مشخص و معلوم گردد تا بتوان گفت جعل صورت گرفته است یا نه. مطابق پرونده شماره آقای الف پس از به اتمام رسیدن اعتبار گواهينامه اش تاريخ آن را از ۱۱/۳۰ به ۱۱/۳۰ تغيير و آن را مورد استفاده قرار داده است، آيا عمل وي جعل و استفاده از سند مجمعول محسوب می شود؟

پاسخ ::

على رغم اختلاف تظرهایی که وجود دارد، به نظر می‌رسد در این گونه موارد تغییری که در سند «گواهینامه» داده می‌شود، در صورتی که منشاء اثر خارجی باشد و آن را معتبر جلوه دهد، جعل محسوب و در صورتی که از این گونه اسناد استفاده هم بشود، استفاده از سند مجمعول محقق خواهد شد.

به حکایت محتویات پرونده آقای الف، نوشته‌ای را تنظیم نموده که مؤثر بودن آن منوط به امضای فرد یا افراد دیگری بوده لکن آقای الف در حین اخذ امضا از جهل و بی‌سوادی امضاکننده سوء استفاده‌کرده و مفاد آن را به صورت غیر واقعی جلوه داده است. مثلاً مفاد نوشته مربوط به عقد بیع بوده، اما آقای الف، در حین اخذ امضا گفته است آنچه امضا می‌شود

مربوط به عقد اجاره می‌باشد. آیا عمل ارتکابی و اخذ امضا به چنین صورتی جرم می‌باشد یا

خیر و اگر جعل تلقی شود، مادی است یا معنوی ؟^(۱۵)

پاسخ :

نظر اکثریت:

با تأمل در تعریف ارائه شده از جرم جعل معنوی در قانون مجازات اسلامی، چنین برداشت‌می‌شود که ابتدا باید مواردی به صورت واقعی در عالم خارج وجودداشته و مورد توافق طرفین باشد سپس این نوشه‌ها به صورت غیرواقعی مرقوم شود تا این عمل مشمول جعل شود. در پرونده فوق با توجه به شرایط ذکر شده، جرم جعل معنوی محقق نخواهد بود مگر اینکه پیش از تنظیم نوشته بین طرفین جهت مرقوم و مكتوب نمودن عقد اجاره توافق شده باشد اما نویسنده عقد بیع را در نوشه منعکس نموده باشد و با غیرواقعی جلوه دادن مفاد نوشه، مبادرت به اخذ امضا نماید که در این صورت جعل معنوی رخ خواهد داد.

نظر اقلیت :

عمل ارتکابی آقای الف، جرم جعل می‌باشد، چرا که به هر حال واقعیتی در عالم خارج وجود داشته و به صورت لفظی به شکل غیر واقعی جلوه داده شده است و شخص امضاء کننده نوشه را به این عنوان که حاوی عقد اجاره است امضا کرده، در حالی که اگر می‌دانست متضمن عقد بیع است، از امضای ذیل آن خودداری می‌کرد و تفاوت نمی‌کند که نوشه چه موقعی تنظیم شده باشد. به هر حال صرف غیرواقعی جلوه دادن مفاد آن وسیس اخذ امضا برای تحقق جرم جعل معنوی، کفايت می‌کند و این با موردي که شخص مطلبی اظهار کند و نگارنده، این مطالب را به صورت غیرواقعی و بر عکس مرقوم دارد سپس امضا اخذ شود، تفاوتی ندارد.

نظر کمیسیون:

نشست قضايی (۲) جزا ي : ماده (۵۳۶) قانون مجازات اسلامی راجع به جعل یا تزویر اسناد و نوشته های عادی به طور مطلق است و شامل جعل مادی و جعل مفادی می شود، بنابراین، در فرض سؤال، تحریف کننده طبق ماده مذکور قابل تعقیب و مجازات است.

ج) رکن معنوی جعل

جرائم جعل از جمله جرائم مادی صرف نمی باشد، بلکه نیازمند به عنصر روانی جرم است که بدون احراز عنصر روانی، جاعل را نمی توان تحت تعقیب قرار داد. قانونگذار در ماده (۵۲۳) که به بیان مصاديق جعل پرداخته، در انتهای ماده مذکور قید ((به قصد تقلب)) را افزوده است. لذا برای تحقق عنصر روانی جرم جعل باید قصد ساختن یا تغییر دادن احراز شود و از طرفی، مرتكب قصد خاص فریب دادن دیگران را از نوشته و یا سند جعل داشته باشد. دیوان عالی کشور هم سوئنیت را از عناصر لازم برای جرم جعل دانسته است و رویه قضایی هم برهمن منوال است.

د) رکن ضرری (اضرار به غیر در جعل)

همان طوری که قبلًا بیان شد، جعل در صورتی جرم و قابل مجازات است که علاوه بر دارا بودن سایر ارکان، متناسب ضرر بالقوه یا بالفعل به دیگری یا اجتماع هم باشد. دیوان عالی کشور در یکی از آرای خود اشعار می دارد: ((اضرار آنی شرط تحقق جرم جعل نیست، بلکه عمل جعل اگر در آینده و حتی بالقوه متناسب ضرر دیگری باشد مورد یا موارد مربوط به جعل منطبق است. بنابراین، از بین بردن عمدی سند مجهول اصولاً مانع تعقیب جرم نخواهد بود.))

بنابراین، انواع ضرری که تحقق آن شرط محقق شدن جرم جعل است عبارتند از:

اول- ضرر مادی: که متوجه دارایی و اموال شخص اعم از حقیقی یا حقوقی می‌شود.

دوم- ضرر معنوی: زمانی است که متوجه اعتبار و شهرت و حیثیت خانوادگی و شغلی

شخص شود.

سوم- ضرر اجتماعی: اصولاً ضرر اجتماعی در مورد اسناد دولتی مطرح می‌شود و می‌تواند هم به صورت ضرر مادی (اسناد مالی) و یا به صورت ضرر معنوی باشد؛ ممکن

است ضرر معنوی متوجه اشخاص از نظر حیثیت و اعتبار آنها گردد و هم می‌تواند برای

دولت نیز مضر باشد و اعتماد عمومی مردم را نسبت به صحت و درستی اسناد و یا اعتبار

آنها متزلزل کرده و باعث سلب آسایش عمومی گردد؛ مثلاً برگه مرخصی به مدت ده روز

برای سربازی توسط مسئول مربوط صادر می‌شود و او مدت مذکور را تبدیل به بیست

روز می‌کند؛ در اینجا ضرر مادی و معنوی مطرح نیست، ولی ضرر اجتماعی مطرح

است. لازم به ذکر است که رکن ضرری که مطرح گردید مبنای قانونی ندارد، بلکه رکن

ضرری به صورت رویه قضایی درآمده و اکثر صاحب نظران حقوق در این مسئله اتفاق نظر

دارند. دیوان عالی کشور نیز ضرر معنوی که مربوط به اجتماع می‌شود را برای تحقیق بزه

جرائم جعل کافی دانسته است.

رأی شماره ۱۷۲۱ مورخ ۱۳۲۱/۶/۲۶ شعبه دوم دیوان عالی کشور در این خصوص مقرر

داشتند: ((اگر کارمند دولت برای استفاده از مرخصی، برگه گواهی نامه پزشکی جعل

نماید، هر چند مرخصی او بدون استفاده از حقوق باشد، عمل او جعل محسوب است. چه

برای تحقیق بزه جعل، اضرار اعم از ضرر مالی و غیر مالی می‌باشد و اگر در این مورد ضرر مالی

متوجه خزانه دولت نشده باشد صرف استفاده از وقتی که می‌باشد صرف خدمت دولت شود

به وسیله ساختن نوشته برخلاف حقیقت، جعل به شمار می‌رود و استفاده از آن نیز بزه محسوب خواهد بود.))

در صورتی که بر اثر جعل و یا استفاده از سند مجهول ضرری اعم از مادی یا معنوی متوجه نیروهای مسلح گردد مرتكب وفق ماده (۱۳۲) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح موظف به جبران خسارات وارد می‌باشد و رسیدگی به این گونه موارد نیاز به تقدیم دادخواست ندارد و محاکم مکلفند به صرف تقاضای شاکی یا دادستان نسبت به ضرر و زیان وارد رسیدگی و حکم مقتضی صادر نمایند و در صورتی که در این رابطه منافعی کسب کرده و یا امتیازاتی گرفته باشد وفق ماده (۱۱۶) قانون مذکور منافع مكتتبه مسترد و امتیازات حاصله لغو می‌گردد.

در پرونده مطروحه، چکی در وجه آقای الف صادر شده است و دارنده چک آن را به عنوان پرداخت این بدون ظهر نویسی به آقای ب منتقل نموده است و آقای ب رأساً و با ظهر نویسی (گذاشتن امضای آقای الف) اقدام به وصول وجه چک نموده است، آیا آقای ب، مرتكب بزه جعل شده است یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا در تحقیق بزه اثبات ضرر، لازم است یا صرف واقع شدن عمل جعل با قصد تقلب جرم محقق شده است؟^(۱۶)

پاسخ :

نظر اکثریت :

در جعل، اثبات ضرر ضرورتی ندارد و در صورتی که عنصر معنوی که همان قصد تقلب است در آن موجود باشد، جعل محقق خواهد شد، چه اینکه از این عمل ضرر محقق شود یعنی حاصل شود یا اینکه صرفاً جاعل از آن در جهت اثبات حقی استفاده نماید ولیکن نفعی برای ایشان ایجاد نشده یا ضرری به دیگری وارد نشده باشد و اما درمانحنفیه با توجه به اینکه سوء

نیتی در عمل جاعل نبوده است (قصد تقلب) در نتیجه از این باب می‌شود امضا کننده را مبرا از مجازات دانست.

نظر اقلیت :

با توجه به اینکه بزه جعل، منوط به اثبات ضرر می‌باشد، لذا وجود ضرر و اثبات آن در تحقق بزه ضروری است.

نظر کمیسیون :

نشست قضایی (۲) جزایی :

قصد تقلب و قابلیت اضرار به غیر، از ارکان تشکیل دهنده جرم جعل است. در نهایت اضرار آنی شرط نبوده، بلکه اضرار بالقوه برای تحقق جرم کافی است، بنابراین، اثبات ورود ضرر، لازم نمی‌باشد و همین قدر که قابلیت اضرار، اعم از مالی یا غیرمالی وجود داشته باشد، جرم جعل تحقق می‌یابد، در فرض سؤال، چون چک در وجه شخص معین بوده و به دیگری واگذار شده (هرچند بدون ظهernoیسی) عمل انتقال گیرنده با قصد تقلب و اضرار به غیر، صورت نگرفته است، تحت عنوان جعل قابل مجازات نیست.

مصاديق جعل مادي در قانون مجازات اسلامي و قانون مجازات جرائم نieroهاي مسلح :

همان طوری که بیان شد، جرم جعل مادی همواره به شکل فعل مثبت خارجی تحقق پیدا می‌کند؛ لذا مصاديق جرم جعل مادی با عنایت به قوانین مذکور به طور خلاصه بیان می‌گردد:

- ۱- جعل حکم یا امضا یا مهر یا فرمان یا دست خط فرماندهی کل قوا. (ماده ۹۵ ق.م.ج.ن.)
- ۲- جعل حکم یا امضا یا مهر یا فرمان یا دست خط مقام معظم رهبری و رئوسای سه قوه.
- (موضوع ماده ۵۲۴ ق.م.ا.)
- ۳- جعل حکم یا امضا یا مهر یا فرمان یا دست خط سایر مقامات دولتی (موضوع ماده ۵۲۵ بند ۱ ق.م.ا.)

- ۴- جعل امضا یا مهر یا حکم فرماندهان و مسئولین نیروهای مسلح در رده فرمانده نیرو یا همتراز و بالاتر(موضوع ماده ۹۶ ق.م.ج.ن.م.)
- ۵- جعل مهر، تمبر، منگنه و علامت یکی از شرکتها و مؤسسات دولتی (موضوع بند^۲ ماده ۵۲۵ ق.م.ا.)
- ۶- جعل مهر، تمبر و منگنه یا علامت یکی از نهادهای عمومی غیردولتی.(موضوع ماده ۵۲۸ ق.م.ا.)
- ۷- جعل مهر، تمبر و منگنه یا علامت یکی از شرکتهای دولتی. (موضوع ماده ۵۲۹ ق.م.ا.)
- ۸- جعل مهر، تمبر، منگنه یا علامت یکی از نیروهای مسلح.(موضوع ماده ۱۰۰ ق.م.ج.ن.م.)
- ۹- جعل احکام دادگاهها یا اسناد یا حواله‌های صادر شده از خزانه دولت (موضوع بند^۳ ماده ۵۲۵ ق.م.ا.)
- ۱۰- جعل منگنه یا علامتی که برای تعیین طلا یا نقره به کار می‌رود.(موضوع بند^۳ ماده ۵۲۵ ق.م.ا.)
- ۱۱- جعل اسکناس رایج داخلی یا خارجی یا اسناد بانکی یا اسناد و اوراق بهادر و حواله‌های صادر شده از خزانه.(موضوع بند^۵ ماده ۵۲۵ و ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی و ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس مصوب ۶۸/۱/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام.)
- لازم به ذکر است، جعل اسکناس رایج داخلی درصورتی که با قصد براندازی نظام و یا عضویت در باند باشد براساس ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس، مجازات محارب را درپی خواهد داشت و درصورتی که جعل اسکناس رایج داخلی یا خارجی و سایر اسناد بانکی و اوراق و اسناد بهادر یا حواله‌های صادر شده از خزانه به قصد اخلال در نظام پولی یا بانکی یا اقتصادی و یا برهم زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی باشد، درصورتی که

محارب شناخته نشود، مرتكب به حبس از پنج تا بیست سال و در صورت عدم احراز چنین قصدي، وفق بند^۵ ماده (۵۲۵) به حبس از یک تا ده سال محکوم خواهد شد.

۱۲- جعل حکم یا امضا یا مهر سایر فرماندهان و مسئولین نیروهای مسلح (موضوع ماده ۹۷ ق.م.ج.ن.م.)

۱۳- جعل مدارک تحصیلی.(موضوع ماده ۵۲۷ قانون مجازات اسلامی)

۱۴- جعل در اسناد و نوشهای غیررسمی.(موضوع ماده ۵۲۶ قانون م.ا. و ماده ۱۰۶ قانون م.ج.ن.م.)

۱۵- جعل در اسناد و نوشهای رسمی.(موضوع ماده ۱۰۳ قانون م.ج.ن.م. و مواد ۵۳۲ و ۵۳۳ ق.م. اسلامی)

۱۶- عکسبرداری از اوراق و مدارک. (موضوع ماده ۵۳۷ ق.م.ا.)

۱۷- جعل گواهی پزشکی. (موضوع ماده ۵۳۸ ق.م.ا.)

۱۸- صدور گواهی نامه خلاف واقع.(موضوع مواد ۵۳۹ و ۵۴۰ ق.م.ا. و ماده ۷۹ قانون م.ج.ن.ا.)

۱۹- شرکت در آزمون به جای دیگری یا شرکت دادن دیگری به جای خود.(موضوع ماده ۵۴۱ ق.م.ا.)

۲۰- وفق ماده(۱۳۱ق.م.ج.ن) هرگونه تغییر یا حذف اطلاعات، الحق، تقدیم یا تاخیر تاریخ نسبت به تاریخ حقیقی و نظایر آن که به طور غیر مجاز توسط نظامیان در سیستم رایانه و نرم افزارهای مربوط صورت بگیرد جعل و حسب مورد مرتكب به مجازات مندرج در مواد مربوط محکوم خواهد شد.

«مصاديق جعل معنوی در قانون مجازات اسلامی و قانون م.ج.ن.م.»

همان‌طوری که قبلًا بیان شد، تحقق جرم جعل مادی تنها به‌شکل فعل مثبت قابل تحقق بوده و در این زمینه تقریباً اجماع وجود دارد. در جعل مفادی نیز عده‌ای همین نظر را دارند؛ ولی عده‌ای دیگر معتقدند که ترک فعل اگر حاکی از تحریف حقیقت باشد دلیلی ندارد که جعل مفادی محسوب نگردد. برای مثال: اگر منشی دادگاه در تقریرات خود اظهارات متهم را حذف کند، مثلاً متهم بگوید ((اتهام خود را قبول ندارم)) و منشی دادگاه از روی علم و عمد این جمله را به ضرر متهم حذف کند و ننویسد؛ مرتكب ترک فعل گردیده و عمل وی از مصاديق جعل مفادی است.

نکته مهمی که در جعل مادی یا مفادی قابل ذکر است، این است که سند یا نوشته باید از لحاظ ماهیت ساختگی و تقلیبی باشد. به بیان دیگر، تقلب در اصل و ماهیت سند باشد؛ در صورتی که فردی اطلاعاتی که ارایه می‌دهد دروغ و کذب باشد، هرچند که به صورت کتبی باشد، چون سند یا نوشته از نظر ماهیت تقلیبی نیست نمی‌توان آن را جعل محسوب کرد؛ مگر با وجود نص قانونی. مثال اگر یک نظامی بدون داشتن سمت و اختیاری، از سوی فرمانده و یا رئیس خود نامه‌ای را که به نام فرمانده یا رئیس است با نوشتن کلمه ((از طرف)) امضا نماید، باز هم نمی‌توان عمل وی را جعل محسوب نمود؛ ولی اگر برفرض، امضاکننده، کلمه ((از طرف)) را ننویسد و به جای فرمانده امضا کند، هرچند که مطابق با امضا واقعی خودش باشد. عمل مذکور، جعل امضا فرمانده محسوب می‌شود. هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی شماره ۲۸۸۰/۱۵/۱۳۳۵ خود مشابه این مورد را جعل دانسته است.

«چون دادگاه صادرکننده رأی فرجام خواسته محرز و مسلم دانسته که متهم در دفترخانه حاضر و خود را صاحب ملک معرفی و اسناد مربوط را امضا و با گرفتن سند معامله خیاری از

آقای..... مبادرت به کلاهبرداری از او کرده است؛ در حالی که حضور متهم در دفترخانه و معرفی خود به نام صاحب ملک و امضای اسناد مربوط به فرض ثبوت و قطع نظر از ماده (۱۰۰) قانون ثبت، از جرایم مذکور در ماده (۱۰۲) قانون مجازات عمومی (ماده ۵۳۲ قانون مجازات اسلامی) می‌باشد که درمورد غیر اجزاء و صاحب منصبان دولتی باید ماده (۱۰۳) قانون مذبور (ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی) رعایت شود و دادگاه به این امر توجه و رسیدگی نکرده؛ بنابراین، رأی ... صحیح نبوده است....)

آیا جعل معنوی (مفادی) در اسناد عادی هم قابل تحقق است یا خیر؟

پاسخ

ماده (۲۹) قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲، که مربوط به جعل اسناد عادی و غیر رسمی بود، مقرر می‌داشت:

«هرکس به طرق مذکور در اسناد....» طرق مذکور در این ماده به مواد قبل از ماده (۲۹) بر می‌گشت که هم شامل جعل مادی و هم جعل معنوی بود؛ لیکن در ماده (۵۳۶) قانون مجازات اسلامی، این قید حذف گردیده و همین امر باعث اختلافنظر بین صاحب‌نظران و حقوق‌دانان شده است. عده‌ای با توجه به حذف عبارت ((طرق مذکور)) در قانون مجازات اسلامی که مؤخر التصویب است، معتقدند که در اسناد غیررسمی فقط جعل مادی قابل تحقق است؛ لیکن عده‌ای دیگر معتقدند که ماده (۵۳۶) قانون مذکور، کلمه ((جعل)) را به صورت مطلق آورده و جعل هم هر دو نوع است که یا مادی است و یا معنوی. ماده مذکور به یک مورد اختصاص نیافته و هر دو مورد را شامل می‌شود و لزومی به قید ((طرق مذکور)) در ماده نبوده است. به نظر می‌رسد، نظر اخیر قابل دفاع باشد و رویه قضایی هم مؤید همین موضوع است. البته این اختلافنظر در قانون م.ج.ن.م. وجود ندارد و در ماده (۱۰۶) ((طرق مذکور)) قید شده و شامل مواد قبلی که مربوط به جعل مادی و معنوی افراد نظامی می‌باشد، می‌گردد.

از مصادیق جعل مفادی می‌توان به ماده (۵۳۴) قانون مجازات اسلامی و ماده (۱۰۴) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح اشاره کرد، که موارد جعل مفادی در این مواد قبلًاً طی چهار بند توضیح داده شد.

شروع به جعل و تزویر:

شروع به جرم، به اعمالی گفته می‌شود که مرتکب با قصد مجرمانه شروع به عملیات اجرایی نماید، لیکن در حین عمل، عواملی دخالت می‌کند که مانع از تحقق جرم می‌گردد. در مبحث جعل و تزویر، قانونگذار در ماده (۵۴۲) قانون مجازات اسلامی و ماده (۱۲۸) قانون مجازات ج.ن.م، شروع به جعل و تزویر را جرم دانسته و حداقل مجازات قانونی را برای آن تعیین نموده است. تشخیص این‌که چه مقدار از عملیات اجرایی در جعل و تزویر شروع به جرم تلقی می‌گردد به‌عهده مرجع رسیدگی کننده به جرم است. در رابطه با شروع به جرم، در این فصل سؤالاتی مبتادر به ذهن می‌گردد.

سئوال ۱:

برفرض تحقق جرم «شروع به استفاده از سند مجعل»، آیا می‌توان به استناد ماده (۵۴۲) قانون مجازات اسلامی، مرتکب را مجازات نمود؟

پاسخ:

صاحب‌نظران دو نظریه ابراز داشته‌اند:

گروه اول معتقد‌ند به دلیل زیر می‌توان مرتکب را در فرض سؤال تعقیب و محکوم نمود؛
اولاً: فصل پنجم مربوط به جعل و تزویر است و هرکجا که از جعل سخن گفته شده است استفاده از سند مجعل هم در کنار آن مطرح شده است.
ثانیاً: عنوان فصل پنجم، جعل و تزویر است و در ماده (۵۴۲) به همین عنوان بستنده شده است.

ثالثاً: قانونگذار در کلیه موارد، مجازاتهای مشابه و یکسانی برای جعل و استفاده از سند مجعل درنظر گرفته است.

گروه دوم معتقدند فقط درصورتی که شروع به جعل برای مرجع قضایی احراز گردید می‌توان مرتکب را تحت تعقیب و مجازات قرار داد و دلایلی به‌شرح ذیل بیان می‌کنند:

اولاً: تفسیر موسع قوانین جزایی، خلاف اصل است و باید مضيق تفسیر شود.

ثانیاً: در هر کجا که تفسیر موسع به ضرر متهم باشد باید از آن اجتناب نمود.

ثالثاً: به فرض این که شروع به جرم در استفاده از سند مجعل امکان داشته باشد؛ ولی قانونگذار شروع به جرم را در استفاده از سند مجعل جرم ندانسته و مجازاتی برای آن تعیین ننموده است. با توجه به استدلال طرفین، به‌نظر می‌رسد، نظر دوم از نظر موazin و اصول حقوقی قابل قبول‌تر باشد و رویه قضایی حاکم در مراجع قضایی نیز مؤید این نظر است.

سؤال ۲ :

آیا به استناد ماده (۵۴۲) قانون مجازات اسلامی، می‌توان شروع به جعل را در سایر قوانین متفرقه مربوط به جعل تسری داد؟

پاسخ :

ماده (۵۴۲) قانون مجازات اسلامی، اطلاق ندارد و افاده عموم هم نمی‌کند، بلکه قانونگذار محدوده آن را به همان فصل پنجم مبحث جعل و تزویر مقید نموده است و نمی‌توان ماده مذکور را برای مجازاتهای شروع به سایر جعلها که در قوانین متفرقه آمده است، تسری داد. برای این‌که شروع به ارتکاب جعل قابل مجازات باشد باید به خود قوانین مربوط مراجعه نمود. درصورتی که شروع به جرم را قابل مجازات بدانیم می‌توان مرتکب را تعقیب و مجازات

نمود و درغیر این صورت، اگر اقدامات انجام شده جرم باشد می‌توان به همان جرم وی را محکوم نمود.

جرائم جعل در سایر قوانین متفرقه:

علاوه بر مبحث جعل و تزویر در قانون مجازات اسلامی و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، قانونگذار در قوانین مختلفی به برخی از انواع خاص جعل پرداخته که موارد ذیل را می‌توان نام برد:

- ۱- ماده (۱۹) قانون تشکیل شرکت پست جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۶۶، راجع به جعل تمبر یا پاکت یا کارت پستی یا علامت نقش تمبر.
- ۲- ماده (۱۰۰) قانون ثبت اسناد و املاک مصوب سال ۱۳۱۰، راجع به انواع جعل که کارمندان ثبت اسناد و املاک و یا صاحبان دفاتر اسناد رسمی مرتکب می‌شوند.
- ۳- ماده (۶) قانون اصلاح قانون ورود واقامت اتباع خارجه در ایران مصوب سال ۱۳۶۷، راجع به جعل گذرنامه یا جواز اقامت یا جواز عبور.
- ۴- قانون منع خرید و فروش کوپنهای کالاهای اساسی مصوب ۱۳۶۷، راجع به جعل کالا برگ.
- ۵- در مواد مختلفی از جمله قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۴، قانون تشکیل شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شوراهای مزبور مصوب ۱۳۶۵ و اصلاحیه آن، قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴، راجع به جعل و تزویر در انتخابات.
- ۶- ماده (۳۷) قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱/۲/۵، راجع به جعل توسط کارشناسان رسمی.

- ۷- بند ه ماده یازده قانون انحصار بازرگانی خارجی مصوب سال ۱۳۱۱، راجع به جعل تصدیق صدور و ورود.
- ۸- قانون تخلفات، جرایم و مجازاتهای مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام سال ۱۳۷۰، راجع به انواع جعل در اسناد سجلی.
- ۹- ماده (۶۰) قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب سال ۱۳۶۳ و اصلاحات بعدی در سال ۱۳۶۸، راجع به انواع جعل برای فرار از خدمت وظیفه عمومی.
- ۱۰- ماده (۸) قانون راجع به انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸، راجع به انتقال مال غیر به وسیله سند رسمی.
- ۱۱- قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۶۸، راجع به جعل اسکناس رایج داخلی.(قبل از دایین خصوص توضیح داده شد.)

استفاده از سند مجموع

استفاده از سند مجموع گرچه مکمل جرم جعل است لیکن شرایط تحقق جداگانه‌ای دارد و یا به عبارت دیگر جرم مستقلی است که همانند سایر جرایم دارای ارکان تشکیل دهنده خاص است.

ارکان تشکیل دهنده جرم استفاده از سند مجموع

الف - رکن قانونی :

همانطوری که در رکن قانونی جعل بیان گردید در صورتی فعل یا ترک فعل جرم است که قانونگذار آن را جرم دانسته و مجازاتی برای آن در نظر گرفته باشد، اکثر موادی که راجع به جعل آمده در کنار آن هم استفاده از سند مجموع آمده است و در مواردی هم استفاده از سند

مجموع در مواد جداگانه‌ای آمده مجازات خاصی برای آن در نظر گرفته است مانند ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی و یا ماده ۱۰۵ ق.م.ج.ن.م.

ب - رکن مادی:

در رکن مادی موارد ذیل مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱ - سمت مرتکب:

قانونگذار در قانون مجازات اسلامی و قوانین متفرقه مربوط به جعل و استفاده از سند مجموع از عبارت «هر کس» استفاده نموده که شامل همه افرادی که در جامعه زندگی می‌کنند، می‌گردد. اما در بعضی از قوانین متفرقه و از جمله فصل جعل و تزویر در ق.م.ج.ن.م نسبت به سمت اشخاص تأکید کرده و قابل به تفکیک شده است.

۲ - موضوع جرم:

موضوع جرم استفاده از سند و یا اشیاء مجموع می‌باشد و تا هنگامی که سند، نوشته یا شیی‌ای جعل نشده باشد، استفاده از آن هم متصور نخواهد بود، استفاده از سند مجموع برخلاف جرایم مقید منوط به حصول نتیجه مجرمانه یا تحقق اضرار به غیر نیست و صرف تحقق آن با علم به مجموع بودن قابل مجازات است.

۳ - فعل مرتکب:

فعل مرتکب به صورت یک فعل مادی مثبت خارجی است که به صرف تقدیم، ابراز، تسلیم، ارایه کردن، واگذار کردن، استناد کردن، انتشار دادن و نظایر آن محقق می‌گردد مثلاً اگر یک نظامی برگ مرخصی مجموع را به دژبان جهت خروج از پادگان ارایه دهد مرتکب استفاده از سند مجموع گردیده است هر چند که مأمور با آگاهی یافتن به جعلی بودن برگه مرخصی به آن ترتیب اثر ندهد و از خروج نظامی مذکور جلوگیری نماید. شعبه پنجم دیوانعالی کشور در رأی شماره ۲۱۸۴ مورخ ۱۳۱۸/۹/۳ چنین اشعار داشته: «اگر کسی ورقه

مجعول متنسب به طرف خود را به دادگاه حقوق برای استفاده بدهد و مجهولیت آن از نظر دادگاه ثابت گردد نمی‌توان به عنوان این که مجهولیت سند محرز شده و فایده نبخشیده او را تبرئه نمود، چه آن که به محض تقدیم سند مجهول به دادگاه و استناد به آن علیه طرف، عمل استفاده از سند مجهول تمام شده محسوب است، خواه آن سند مفید واقع شده و فایده از آن حاصل گردد یا آن که، به واسطه ثبوت جعلیت، فایده از آن عاید نگردد. » اداره حقوقی دادگستری طی یک نظر مشورتی در مورخ ۱۳۷۱/۱۰/۲۳ طی شماره ۷/۱۱۰۸۷ چنین اعلام نظر نموده است :

« هر چند در قانون ، شروع به جرم استفاده از سند مجهول جرم شناخته نشده است، ولی به لحاظ این که قانونگذار در جرم استفاده از سند مجهول تکیه روی استفاده دارد همین اندازه که کسی سند مجهول را با علم به تزویر و جعلی بودن آن به منظور استفاده ابراز نماید، بزه استفاده که فی نفسه بزه مستقلی است، تحقق پیدا می‌کند به عبارت دیگر تحقق بزه استفاده از سند مجهول منوط به تحقق و حصول نتیجه آن نیست ، مگر آن که سایر ارکان جرم ، مانند سوء نیت و یا علم بر مجهول بودن سند از جانب متهم، احراز نشود که در این صورت جرم استفاده از سند مجهول محقق نخواهد شد . »

اما عده‌ای معتقدند (از جمله دکتر سپهوند) در اسناد و نوشه‌های جعلی که غیر مادی هستند صرف ارایه آن جرم استفاده از سند مجهول محقق می‌گردد لیکن اگر نوشته یا سند جعلی جزو اسناد مالی باشد صرف ارایه آن تا زمانی که از آن استفاده مالی نگردد، جرم استفاده از سند مجهول تحقق نیافته است مثلاً اگر کسی یک چک مجهول را جهت وصول به بانک ارایه دهد ولی بانک متوجه جعلی بودن چک گردد و یا بدلالی دیگر بانک از پرداخت چک امتناع نماید در مانحن فیه صرف ارایه چک به بانک استفاده از سند مجهول نیست مگر این که شروع به استفاده از سند مجهول را جرم تلقی نماییم و به این استناد عمل مرتكب را

جرائم بدانیم هر چند که شروع به جرم متعاقب قصد ارتکاب جرم و انجام اقدامات مادی برای رسیدن به مقصد است و اگر با مانع برخورد کند و محقق نشود عنوان شروع به جرم پیدا می‌کند، البته عده‌ای معتقدند شروع به استفاده از سند مجعل با عنایت به سکوت قانونگذار جرم نیست.

ج - رکن معنوی استفاده از سند مجعل:

در رکن معنوی این جرم اولاً مرتكب باید عمداً سند جعلی را مورد استفاده قرار دهد یا به عبارت دیگر مرتكب با علم به جعلی بودن سند در استفاده از آن عمد داشته باشد.

ثانیاً: حداقل باید احتمال ورود ضرر اعم از مادی یا معنوی به شخص دیگر اعم از حقیقی یا حقوقی وجود داشته باشد. شعبه پنجم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۲۶۱۳ مورخ ۱۳۲۷/۱۲/۱۸ چنین نظر داده است:

«در مورد به کار بردن گواهی نامه تحصیلی مجعل اگر محرز شود که متهم عالم به مجعل بودن گواهی نبوده و استفاده مالی نیز نداشته باشد عمل مشمول هیچ یک از قوانین جزایی نخواهد بود.»

مجازات استفاده از سند مجعل :

استفاده از سند مجعل همانند جعل جرم مستقلی است و می‌بایستی مجازات جداگانه‌ای داشته باشد که این مجازات‌ها به دو صورت بیان گردیده است.

۱ - بین مجازات جعل و استفاده از سند مجعل هیچ‌گونه تفاوتی وجود ندارد و قانونگذار در یک ماده مجازات هر دو جرم را یکسان مشخص نموده است و فرقی بین آنها قایل نشده است، بیشتر مواد مربوط به جعل در قانون مجازات اسلامی و یا قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مجازاتهای تعیین شده برای هر دو جرم یکسان می‌باشد.

۲- قانونگذار در بعضی از موارد مجازات جرم استفاده از سند مجعل را به طور جداگانه تعیین و مشخص نموده است مانند ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی و مواد ۱۰۵ و ۱۰۷ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، که مجازات مرتکبینی که با علم و آگاهی به جعلی بودن اسناد، آنها را مورد استفاده قرار می‌دهند، مشخص نموده است.

۳- در صورتی که جاعل شخصاً از سند مجعل استفاده نماید مرتکب یک جرم شده یا دو جرم؟ جرم جعل و استفاده از سند مجعل هر یک جرم مستقل و جداگانه می‌باشد و قانونگذار برای هر کدام مجازات مستقلی پیش‌بینی نموده است، در صورتی که جاعل خود از سند مجعل استفاده نماید چون استفاده از سند مجعل دارای عناصر جداگانه‌ای غیر از جعل می‌باشد به مجازات استفاده از سند مجعل نیز محکوم خواهد شد مؤید این نظر رأی وحدت رویه شماره ۱۱۸۸ مورخ ۱۳۳۶/۳/۳۰ می‌باشد ((چون استفاده از سند مجعل عمل جداگانه است که حتی نسبت به جاعل نیز جرم جداگانه محسوب است و عبارت «با علم به تزویر مورد استفاده قرار دهد» به منظور تعمیم نسبت به غیر جاعل در قانون ذکر شده مضافاً بر اینکه ماده ۲ ملحقه به اصول محاکمات جزایی رفع هر گونه توهمندی را نموده لذا، رأی شعبه ۵ دیوانعالی کشور از این جهت صحیح به نظر می‌رسد.))

حتی در ماده ۸۳ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح که منسوخ گردیده است مقرر داشته بود «در صورتی که جاعل شخصاً از مورد جعل استفاده کند به اشد مجازات محکوم خواهد شد» که این باعث اختلافنظر در بین دادگاههای نظامی شده بود. عدهای معتقد بودند عبارت «اشد مجازات» در جایی به کار می‌رود که دو مجازات وجود داشته باشد یکی خفیف و دیگری شدید که در این بین می‌گوییم اشد مجازات باید انتخاب شود لیکن در ماده ۸۳ دو نوع مجازات تعیین نشده است و اگر جاعل شخصاً از سند مجعل استفاده نماید یک مجازات دارد و آنهم مجازات اشد و عدهای دیگر معتقد بودند که جرم جعل و استفاده از سند مجعل دو

جرائم جداگانه و مستقل از یکدیگر می‌باشد و هیچ فرقی بین جاعل و غیر جاعل در مورد استفاده از سند مجعل وجود ندارد و مرتكب به طور مستقل مجازات خواهد شد و اگر شخص جاعل استفاده کننده هم باشد علاوه بر مجازات جعل در مورد استفاده از سند مجعل به حداقل مجازات جعل حسب مورد محکوم خواهد شد این دو برداشت از ماده مذکور باعث صدور آراء متهافت گردید که منجر به رأی وحدت رویه شماره ۶۲۴ مورخ ۱۳۷۷/۱/۱۸ گردید.

«نظر به اینکه به موجب مواد (۷۵ تا ۸۵) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ برای جعل و استفاده از سند مجعل مجازات جداگانه تعیین شده و به علاوه در ماده (۸۳) قانون مزبور نیز برای استفاده کننده از سند مجعل در مواردی که جاعل خود استفاده کننده باشد مجازات مقرر گردیده است. بنابراین بر طبق مواد مزبور، استفاده از سند مجعل، عملی مستقل از جعل محسوب و نسبت به جاعل نیز بزه جداگانه است، بنابه مراتب دادنامه شماره ۶ مورخ ۱۳۷۶/۲/۲۸ که به موجب آن با رعایت تعدد و ماده (۴۷) قانون مجازات اسلامی برای جعل و استفاده از سند مجعل کیفرهای جداگانه تعیین شده صحیح و منطبق با موازین قانونی است، این رأی که بر طبق ماده (۳) اضافه شده به قانون آینین دادرسی کیفری صادر گردیده در موارد مشابه لازم الاتّباع می‌باشد.»

به حکایت محتویات پرونده آقای الف، چک مجعلی را مورد استفاده قرار می‌دهد با علم و اطلاع از مجعل بودن چک اتومبیلی را می‌خرد، سپس اتومبیل را می‌فروشد و به عنوان ثمن آن، دو فقره چک تحصیل می‌کند و سپس به عنوان بدھی خود آن را به شخص دیگری منتقل می‌کند دراین صورت آیا:

- ۱- اتومبیل که بدون واسطه از طریق سند مجعل حاصل شده است تحصیل مال مجرمانه تلقی می‌شود و قابل توقیف می‌باشد؟

۲- دو فقره چک حاصل از فروش اتومبیل از سوی آقای الف ، در امتداد تحصیل مال مجرمانه است یا خیر؟

۳- اگر بدون اطلاع از مجعل بودن، سند آن اتومبیل حاصل شود عنوان مجرمانه دارد یا خیر؟^(۱۷)

پاسخ ::

نظر اکثریت :

- ۱- به علت تحصیل مجرمانه، اتومبیل قابل توقيف و استرداد می باشد.
- ۲- دو فقره چک های حاصل از فروش اتومبیل از سوی متهم به عنوان ثمن در امتداد کلاهبرداری نیست و رابطه حقوقی جداگانه به حساب می آید و از طریق دادخواست حقوقی عليه ایادی غصب، قابل مطالبه می باشد.
- ۳- عنوان مجرمانه دارد.

نظر اقلیت :

در امتداد تحصیل مال مجرمانه است و از طریق کیفری قابل توقيف و استرداد می باشد.

نظر کمیسیون :

نشست قضایی (۲) جزایی :

- ۱- با توجه به مواد ۹ و ۱۰ قانون مجازات اسلامی، مالی که براثر جرم تحصیل شده باشد، باید به صاحبش مسترد شود، در فرض سؤال، چون تحصیل اتومبیل در اثر جرم استفاده از چک مجعل صورت گرفته، مشمول مواد فوق است و باید توقيف و به صاحبش مسترد شود.
- ۲- درمورد فروش اتومبیل و اخذ دو فقره چک درازای آن نیز با توجه به استرداد اتومبیل واين که تحصیل چک ها مشروع نبوده است، چنانچه چک های مذکور در يد متهم باشد، باید

توقیف و به خریدار اتومبیل برگردانده شود و در غیراین صورت ذی نفع باید مطابق مقررات حقوقی، طرح دعوا نماید.

۳- یکی از ارکان جرم استفاده از سند مجعل، علم به مجعل بودن سند است، بنابراین، چنانچه عالم به مجعل بودن سند نباشد، عنوان مجرمانه ندارد.

مطابق پرونده شماره آقای الف سند جعلی را جهت بهره بردن از موضوع آن به مأمور دولتی ارائه می نماید، آیا مرتکب بزه استفاده از سند مجعل شده است؟ به عبارت دیگر آیا منظور از استفاده از سند مجعل، صرفاً ارائه آن جهت فایده بردن است و یا اینکه نفع بردن حقیقی از ارائه است؟^(۱۸)

پاسخ:

در بزه استفاده از سند مجعل تکیه روی استفاده است. همین اندازه کسی سند مجعل را با علم به مجعل بودن آن به منظور استفاده ابراز نماید، بزه استفاده از سند مجعل تحقق پیدا می کند به عبارت دیگر تحقق بزه استفاده از سند مجعل منوط به تحقق و حصول نتیجه آن نمی باشد مگر آنکه سایر ارکان جرم مانند سوء نیت و یا علم به مجعل بودن سند از جانب متهم احراز نشود که در این صورت بزه استفاده از سند مجعل محقق نخواهد شد.

معاذیر قانونی مؤثر در مجازات بعضی از اقسام بعل و استفاده از سند مجعل

قانونگذار برای جلوگیری از جعل اسناد و اشیائی که امنیت و ثبات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه را دستخوش تغییر و اعتماد عمومی جامعه را سلب می نماید در بعضی از موارد مرتکبین جعل اسناد و اشیاء و یا استفاده از آنها را تحت شرایطی از تعقیب و یا مجازات معاف دانسته است .

الف - موارد معافیت و یا تخفیف از مجازات در قانون مجازات اسلامی و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح

به موجب ماده ۵۳۱ قانون . م . ۱ و ماده ۱۰۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مرتكبین برخی از جرایم جعل و استفاده از سند مجعل با داشتن شرایط ذیل از مجازات معاف و یا در مجازات آنها تخفیف داده می‌شود.

- ۱- منظور از عبارت «موارد قبل» محدود به جرایم مذکور در مواد ۵۲۴ تا ۵۳۰ ق . م. ۱ و مواد ۹۵ تا ۱۰۱ قانون مجازات ج . ن. م . می‌باشد. و به سایر جرایم تسری ندارد .
- ۲- مرتكب قبل از کشف و تعقیب موضوع را به مأمورین ذیصلاح اطلاع و سایر مرتكبین را معرفی کند یا مرتكب بعد از تعقیب وسایل دستگیری سایر مرتكبین جعل را فراهم آورد .
- ۳- در صورت احراز شرایط فوق دادگاه حسب مورد مرتكب یا مرتكبین را از مجازات مندرج در مواد مذکور معاف و یا مجازات آنها را تخفیف خواهد داد .

ب - تعلیق مجازات جرم جعل و استفاده از سند مجعل

در کلیه محکومیتهای تعزیری و بازدارنده دادگاهها می‌توانند اجرای مجازات را با شرایطی که در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی مشخص گردیده، تعلیق نمایند، لیکن بر طبق بند ۲ ماده ۳۰ قانون مذکور یکی از جرایمی که اجرای مجازات آن غیر قابل تعلیق می‌باشد، جرم جعل و استفاده از سند مجعل می‌باشد و درصورتی که دادگاهی اجرای آن را تعلیق نماید. رأی خلاف قانون و قابل نقض می‌باشد در همین رابطه شعبه ۱۶ دیوانعالی کشور در رأی شماره ۴۳۱ مورخه ۷۰/۸/۱۸ چنین اظهار نظر نموده است. «.... مجازات جرم جعل قابل تعلیق نیست و چون دادگاه صادر کننده حکم در مورد متهم اجرای حکم مجازات را به مدت چهار ماه تعلیق نموده خلاف قانون می‌باشد»

نوع تأمین در مرحله دادرسی در جعل و استفاده از سند مجعل:

قاضی در اخذ تأمین از متهم می‌تواند برابر ماده (۱۳۰) ق.آ.د.ک. مصوب ۱۲۹۰ که اشعار می‌دارد: (تأمین باید با اهمیت جرم و شدت مجازات و وسایل و اسباب اتهام و احتمال فرار متهم و امحای آثار جرم و همچنین سابقه متهم و چگونگی مزاج و سن و حیثیت او متناسب باشد. یکی از تأمین‌های مقرر در ماده (۱۲۹) این قانون را اخذ نماید که نظر به اهمیت جرم و مجازاتهای قانونی آن و نوع سند مجعل باید تأمین مناسب اخذ نماید. اما برابر تبصره ماده (۱۳۰) مکرر ق.آ.د.ک. که مقرر می‌دارد: ((درباره کسانی که به اتهام سرقت یا کلاهبرداری و یا جعل و یا استفاده از سند مجعل مورد تعقیب قرار می‌گیرند، هرگاه دلایل و قرایین موجود دلالت بر توجه اتهام به آنان نماید و یک فقره سابقه محکومیت قطعی و یا دو فقره یا بیشتر سابقه محکومیت غیر قطعی به علت ارتکاب هریک از جرایم مذکور داشته باشند، قرار بازداشت صادر خواهد شد.))

قاضی مکلف است در صورت داشتن سابقه محکومیت قبلی به علت ارتکاب جرایم یادشده، برابر تبصره این ماده رفتار و برای متهم به جعل، قرار بازداشت موقت صادر نماید.

نکته دیگر این که، از عبارت ((به علت ارتکاب هریک از جرایم مذکور)) چنین استنباط می‌شود که اگر متهم سابقه محکومیت به سرقت داشته باشد و بعد مرتکب جعل شود یا سابقه محکومیت به جعل داشته باشد سپس مرتکب جعل دیگری شود یا سابقه محکومیت به جعل داشته باشد آنگاه مرتکب سرقت گردد و غیره، با توجه به مفهوم عام عبارت ((هریک از جرایم)) و رعایت شرایط مقرر در این تبصره باید قرار بازداشت موقت صادر نمود و سابقه محکومیت قبلی منوط و محدود به جرم مشابه با جرم ارتکابی جدید نمی‌باشد؛ و فرضًا در ارتکاب جعل ضرورت ندارد که سابقه محکومیت قبلی متهم نیز حتماً به خاطر جعل باشد،

بلکه اگر به دلیل سرقت یا کلاهبرداری یا استفاده از سند مجموع هم باشد باز صدور قرار بازداشت موقت الزامی خواهد بود.

شرکت کارورز مهر
02166899020
www.karvarz.com

خودآزمایی

۱) شخص نظامی (الف) با جعل تعدادی چک، موفق به برداشت مبالغی از حساب جاری مشترک خود با شخص (ب) می‌گردد. بعد از مدتی برای این که موضوع کشف نگردد به غیرنظامی (ج) که برنامه‌نویس رایانه است مراجعه و تقاضای نرم‌افزاری که بتوان با استفاده از آن صورت حساب بانکی تهیه نمود را می‌نماید. پس از تهیه نرم‌افزار، (الف) با همکاری و مساعدت (ج) با استفاده از نرم‌افزار موردنظر موفق به تهیه صورت حساب بانکی می‌گردد.

(الف) آن را به (د) که یکی از کارکنان بانک است ارایه می‌دهد و نامبرده هم پس از مراجعه (ب) به بانک، صورت حساب مورد نظر را تحويل وی می‌دهد و بعد از بررسی، (ب) متوجه جعلی بودن صورت حساب می‌گردد.

حال اگر شما قاضی رسیدگی کننده به این پرونده باشید:

اولاً: اتهام یا اتهاماتی که به نامبردگان منتبه است را به تفکیک بنویسید؟

ثانیاً: صلاحیت رسیدگی به جرایم مذکور به عهده چه مرجعی می‌باشد؟

ثالثاً: درصورتی که یگان شخص (الف) از شکایت خود صرف‌نظر نماید، آیا تأثیری در مجازات مرتكبین خواهد داشت؟

رابعاً: درهر مورد، استدلال و استناد قانونی خود را بنویسید؟

۲) شخص نظامی (الف) مسئول مالی یگان خدمتی که درهمین رابطه دارای حساب جاری بوده به علت کمبود و کسری که در حساب بانکی خود داشته با همکاری و مساعدت غیرنظامی (ب) به وسیله رایانه و اسکنر تعدادی چک بانکی همانند چک‌های حساب خود را شبیه‌سازی می‌کنند. سپس (الف) با درج مبلغ کمتری در متن چکها، آنها را به یکی از کارمندان بانک بهنام (ج) می‌دهد تا جایگزین چک‌های اصلی بنماید. (ج) ضمن جایگزین نمودن آنها، اصل چکها را در اختیار (الف) قرار می‌دهد که وی آنها را معذوم می‌نماید. متهمین در دادسرا

به بزه‌های انتسابی اعتراف و پرونده امر با صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال می‌گردد. با توجه به موارد مذکور و برفرض صحت آنها، شما به عنوان رئیس دادگاه رسیدگی کننده به این پرونده:

اولاً: عناوین جزایی متناسب به متهمین را به تفکیک بنویسید؟

ثانیاً: اتهامات انتسابی را با کدام یک از مقررات کیفری قابل انطباق دانسته و چه مجازاتی برای آنها درنظر می‌گیرید؟

ثالثاً: چنانچه در جریان رسیدگی، یگان خدمتی (الف) اعلام نماید که هیچ کم و کسری در حساب بانکی (الف) نبوده و یگان از وی شکایتی ندارد، چه تأثیری بر تصمیم قضایی شما خواهد داشت؟

(۳) آقای (الف) بدون اینکه در آزمایشات رانندگی (امتحان آیین‌نامه و شهر) شرکت نماید با پرداخت دو میلیون ریال به آقای (ب) که در راهنمایی و رانندگی خدمت می‌کند، موفق به دریافت کارتکس تکمیل شده می‌گردد. (الف) با ارائه کارتکس به قسمت صدور گواهینامه موفق به اخذ گواهینامه رانندگی می‌شود. متعاقب آن (الف) به علت عدم مهارت در رانندگی، با خودرویی که از مقابل می‌آمده تصادف می‌کند که منجر به کشته شدن راننده خودرو مقابل می‌گردد. با توجه به مطالب فوق و برفرض صحت آن، اگر شما رئیس دادگاه رسیدگی کننده به این پرونده باشید:

اولاً: اتهام یا اتهامات انتسابی به (الف) و (ب) را از مصاديق چه جرمی می‌دانید؟

ثانیاً: رسیدگی به اتهامات (الف) و (ب) در صلاحیت چه مرجع یا مراجعی می‌باشد؟

ثالثاً: اتهام یا اتهامات انتسابی را با کدام یک از مواد قانون منطبق می‌دانید و چه مجازاتی برای آن دو درنظر می‌گیرید؟

رابعاً: آیا (ب) از گواهینامه جعلی استفاده نموده است؟

۴) آقای (الف) به علت ممنوع الخروج بودن از کشور، به نزد یکی از دوستانش به نام (ب) که در اداره گذرنامه خدمت می‌کند، مراجعه و با پرداخت مبلغ پنج میلیون ریال و ارائه شناسنامه‌ای که متعلق به شخص دیگری بوده موفق به اخذ گذرنامه می‌گردد و برای گرفتن ویزا، (ب) وی را به شخص (ج) که در جعل ویزا فعالیت داشته معرفی می‌نماید. (ب) با پرداخت مبلغ بیست میلیون ریال به (ج) موفق به اخذ ویزای جعلی یکی از کشورهای اروپایی می‌گردد؛ لیکن در حین خروج از کشور توسط مأمورین دستگیر می‌شود. با توجه به موارد فوق و برفرض صحت آنها، اگر شما به عنوان رئیس دادگاه رسیدگی کننده به این پرونده باشید:
اولاً: عناوین جزایی مناسب به آقایان (الف)، (ب) و (ج) را به تفکیک بنویسید.
ثانیاً: رسیدگی به اتهامات آنها در صلاحیت چه مرجعی می‌دانید؟
ثالثاً: اتهام یا اتهامات انتسابی را با کدام یک از مواد قانون منطبق می‌دانید و چه مجازاتهایی برای آنها در نظر می‌گیرید.

فهرست منابع:

- ۱ - مجموعه قانون مجازات اسلامی
- ۲ - مجموعه قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح
- ۳ - نظریات اداره حقوقی دادگستری
- ۴ - جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی
- ۵ - جرایم بر ضد امنیت و آسایش عمومی
- ۶ - جعل اسناد در حقوق ایران
- ۷ - حقوق جزای اختصاصی جلد اول دکتر ایرج گلدوزیان
- ۸ - مجموعه خودآزمایی های قضایی
- ۹ - مجموعه نشستهای قضایی
- ۱۰ - استعلامات قضایی
- ۱۱ - تقریرات دکتر سپهوند